

به یاد قربانیان فاجعه ملی سال ۶۷

آن روزها چگونه گذشت...

بخش دیگری از خاک آذربایجان  
به اشغال مهاجمان ارمنستان درآمد

طی هفته گذشته شهرهای فضولی و جبرئیل، واقع در خاک اصلی جمهوری آذربایجان پس از تعرض شدید و برق آسای نیروهای مهاجم ارمنی به اشغال آنان درآمد. نیروهای ارمنی حمله خود را از خاک قره باغ کوهستانی آغاز کردند. این ناحیه خودمختار که اکثریت آن ارمنی است از مدت‌ها قبل به اشغال کامل ارتش ارمنستان درآمد.

از ۴۰۰ نفری که به مقابله با قوای مهاجم فرستاده شده بودند ۷۵ نفر باقی ماندند که بسوی مرز ایران فراری شده‌اند. حیدرعلی اف کفیل رئیس جمهوری ضمن اعلام خیر سقوط این شهرها تلفات و اسرای آذربایجان را ۲۶۰ نفر اعلام کرده است.

نیروهای ارمنی ظاهراً قصد دارند به پیشروی خود بسوی جنوب شرق ادامه دهند تا راه استراتژیک جنوبی آذربایجان، در امتداد ارس و

ادامه در صفحه ۳

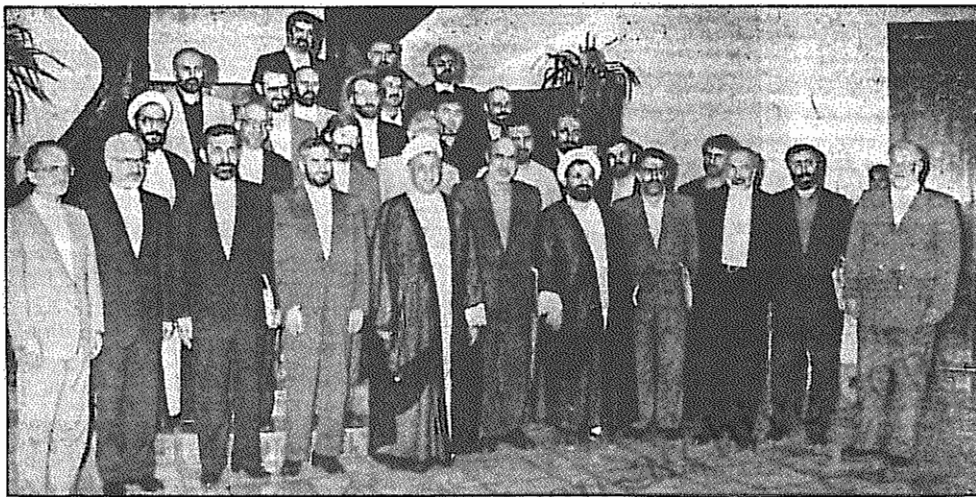
کابینه تازه رفسنجانی شروع بکار کرد

مجلس به نوربخش، یکی از طراحان سیاست تعدیل اقتصادی رای عدم اعتماد داد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دومین کابینه رفسنجانی رای اعتماد دادند. از ۲۳ وزیر معرفی شده، ۲۲ وزیر رای اعتماد گرفتند و تنها آقای محسن نوربخش وزیر اقتصاد و دارایی به حد نصاب نرسید. نمایندگان مجلس با وجود انتقادهای شدید از تعدادی از وزراء به آنها رای اعتماد دادند. بیشترین انتقادها متوجه وزرای نفت و جهاد

بعضی‌ها را فکر می‌کردم رای نیاورند ولی نوربخش را فکر نمی‌کردم رای نیاورد. در مجلس نمایندگان مخالفت جدی با او نکردند و هیچ یک از چهره‌های شناخته شده جناح رسالت زبان به انتقاد از او نگشود. رفسنجانی در نماز جمعه تهران در این مورد گفت یک وزیر را از دست دادیم که آن هم از نظر من بصورت طبیعی بود و برنامه ریزی نشده بود. چون در مجلس علیه آن وزیر کسی صحبت نکرد و ایشان هم نیاز به دفاع بعد از رای مجلس گفت که:

ادامه در صفحه ۲



نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دومین کابینه رفسنجانی رای اعتماد دادند.

سردبیر  
روزنامه سلام  
دستگیر شد

بنوشته روزنامه سلام، عباس عبدی سردبیر این روزنامه روز شنبه گذشته در تهران بازداشت شده است. او را در خیابان و در حضور همسر و فرزندش دستگیر کرده‌اند. بازداشت عباس عبدی توسط ۲ تن از مأمورین رژیم و با ارائه حکم دادسرای انقلاب اسلامی صورت گرفته است. به دنبال دستگیری عباس عبدی اعلام شد که محمد موسوی خرنوبی صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه سلام نیز از سوی دادگاه ویژه روحانیت احضار شده است. احضار وی به دادگاه روحانیت در ارتباط با شکایت چند تن از مسئولین جمهوری اسلامی و روحانیون می‌باشد. یکی از کسانی که علیه این روزنامه شکایت کرده است، امام جمعه اهواز است. روزنامه سلام چندی پیش هم‌دستی وی با سلمان احمدی رئیس منکرات خوزستان را که گفته می‌شود بدلیل فساد و جنایات بیشمار اعدام شده است، افشا کرد.

در حالیکه هنوز هیچ دلیلی برای اعدام در صفحه ۳

اوپک درگیر بحران ناشی از  
سقوط بهای نفت

اوپک، سازمان کشورهای صادرکننده نفت درگیر بحران داخلی ناشی از سقوط بهای نفت از سقف تعیین شده ۱۸ دلار برای هر بشکه است. قیمت نفت به دلیل تولید بیش از سهمیه تعیین شده از سوی کشورهای عضو، از ۱۸ دلار به ۱۵/۷ دلار رسیده است. با توجه به احتمال از سرگیری صدور نفت از سوی عراق و اختلاف شدید در میان اعضای اوپک درباره سهمیه تولید هر یک از کشورهای عضو اوپک، پیش بینی می‌شود بهای نفت با زخم کاهش یافته و به ۱۵ دلار برسد. گفته می‌شود اوپک در یک گزارش محرمانه به اعضای خود هشدار داده است که اگر مازاد تولید متوقف نشود، بهای نفت همچنان کاهش خواهد یافت. در حال حاضر تولید اوپک در سطح ۲۴/۵ میلیون بشکه در روز قرار دارد که نسبت به سقف تعیین شده در آخرین اجلاس اوپک (۲۳/۵ میلیون بشکه در روز) یک میلیون بشکه بیشتر است. بنا به گزارش خبرگزاریها این مازاد تولید و کاهش بهای نفت روزانه ۴۰ میلیون دلار به مجموع درآمد اوپک ضرر

می‌رساند. در میان کشورهای عضو اوپک، ایران و نیجریه متهم به تخلف از سهمیه تعیین شده و تولید اضافه نفت هستند، لیکن در عین حال اختلاف و مشاجره بر سر میزان تولید عربستان سعودی نیز هست که هم اکنون روزانه ۸ میلیون بشکه نفت روانه بازار می‌کند. شماری از کشورهای از جمله جمهوری اسلامی، عربستان سعودی را عامل کاهش بهای نفت معرفی می‌کنند. به دنبال جنگ خلیج فارس که موجب قطع صادرات نفتی کویت و عراق شد، سازمان اوپک برای حفظ صادرات خود بر سهمیه صادرات سایر کشورهای عضو افزود. بیشترین نفع را در این میان عربستان سعودی برد و توانست سهمیه ۶ میلیون بشکه ای خود را به ۸ میلیون بشکه در روز برساند. اکنون گروهی از کشورها و بیش از همه جمهوری اسلامی می‌گویند با توجه به بازگشت کویت و همچنین بازگشت قریب الوقوع عراق به جرگه صادرکنندگان نفت، عربستان باید از سهمیه اضافی خود

ادامه در صفحه ۳

شهریه‌های کمر شکن  
باری بردوش خانواده‌ها

رئیس آموزش و پرورش قزوین: امسال در برخی مناطق مدارس ۴ یا ۶ شیفته خواهند شد!

با فرارسیدن زمان ثبت نام ۱۷ میلیون و ۶۵۰ هزار دانش آموز برای سال جدید تحصیلی، شهریه‌های کمر شکن، میلیون‌ها خانواده ایرانی را در دوشواری تازه‌ای قرار داده است. بنا به قانون اساسی جمهوری اسلامی دریافت هر گونه شهریه از دانش آموزان ممنوع است، اما دولت وزارت آموزش و پرورش هر ساله و به طرق گوناگون از والدین دانش آموزان شهریه دریافت می‌کند و مبلغ آن نیز سال به سال افزایش پیدا می‌کند. یکی از این راه‌ها ایجاد مدارس نمونه است. برای مدارس نمونه شهریه‌های بسیار کلانی مقرر کرده‌اند اما برای نمونه شدن این مدارس هیچ اقدام ویژه‌ای صورت نداده‌اند. هر ساله گروه بیشتری از

کمیسیون فرعی حقوق بشر سازمان ملل  
بار دیگر جمهوری اسلامی را محکوم کرد

کمیسیون فرعی حقوق بشر سازمان ملل متحد که روز سه شنبه ۱۸ اوت کار بررسی حقوق بشر در ایران را آغاز کرده بود در روز جمعه با صدور قطعنامه‌ای که با اکثریت خیلی بالا به تصویب رسیده به کار خود پایان داد. در این قطعنامه ایران بار دیگر بخاطر پایمال کردن حقوق بشر محکوم شده است. قطعنامه از نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد آقای رینالدو گالیندوبل خواسته است که سخت‌ترین تدابیری را که در نظام سازمان ملل

ادامه در صفحه ۲

تمکین رفسنجانی

دومین کابینه رفسنجانی تشکیل شد. از ترکیب وزراء و رای اعتماد مجلس شورای اسلامی به آن، بحث انگیزترین موضوع سیاسی در دو ماه اخیر در جامعه بود. موضوعی که بر سر آن ستیز و کشمکش آشکار و نهان بین رفسنجانی و جناح رسالت جریان داشت. آنچه در مجلس اتفاق افتاد بی‌استثنا رای عدم اعتماد به وزیر اقتصاد و دارایی حاصل توافقی بود که قبلاً در نهان بین رفسنجانی از یکسو و خامنه‌ای، جامعه روحانیت مبارز و سران عمده بازار از سوی دیگر انجام گرفت. رفسنجانی در مذاکرات پشت پرده پذیرفت که شش تن از وزراء را کنار بگذارد و افراد جدیدی را بجای آنها معرفی نماید. رسالتی‌ها نیز قبول کردند که به وزراء معرفی شده رای اعتماد بدهند.

در معرفی کابینه، رفسنجانی علیرغم تمایل خود و تنها تحت فشار جناح رسالت، شش تن از وزراء خود را کنار گذاشت. این امر بمنزله عقب نشینی رفسنجانی و پیشروی جناح رسالت بود. رسالتی‌ها یک گام دیگر به جلو برداشتند و به رفسنجانی فهماندند که بدون تأمین خواسته‌ها و مطالبات آنها نمی‌توانند در قدرت بمانند.

با این همه رفسنجانی یا کابینه جدیدش همچنان در صدد اجرای برنامه تعدیل اقتصادی است. او با گماشتن نوربخش بعنوان معاون رئیس جمهور در زمینه مسائل اقتصادی، بر این نکته تأکید کرد. در حقیقت کابینه دوم همانند اولی، کابینه کار خواهد بود نه کابینه سیاست گذار. در این دور نیز اهرم‌های اصلی سیاست گذاری همچنان در دست روحانیت باقی خواهد ماند و کابینه نقش مجری را خواهد داشت.

مشئاق آئتلاف رفسنجانی با رسالتی‌ها که او برای پیشبرد برنامه تعدیل اقتصادی برگزید، گرچه در طرد خط امامی‌ها نتیجه بخش بود ولی در عین حال با شسته آشیل رفسنجانی بحساب می‌آید. پیشبرد برنامه تعدیل اقتصادی مستلزم انجام اصلاحات در عرصه‌های مختلف بود. این مجموعه باید در پیوند با هم پیش میرفت و بر نیروهای متکی میشد که خواهان چنین تحولی بودند. ولی رسالتی‌ها چنین نیرویی نبودند. آنها چه در عرصه اقتصادی و چه در عرصه فرهنگی و اجتماعی کار شکنی کردند. خامنه‌ای با حمایت همین جناح، چماق نهی از منکر را برداشت و تجاریزایی و واردات بی سابقه خزانة کشور را خالی کرد و به تولیدات کشور آسیب جدی رساندند. برنامه رفسنجانی که خود فاقد مشخصات لازم برای توسعه جامعه بود، با کار شکنی رسالتی‌ها و در رابطه با یکسری عوامل دیگر به بن بست رسید و بجای غلبه بر بحران اقتصادی، آنرا تعمیق بخشید.

رفسنجانی در دوره قبل در برابر فشار جناح رسالت و خامنه‌ای مقاومت نکرد و در موارد قابل ملاحظه‌ای مجری سیاستهای آنها گردید. او در مقابل راستگرایان افراطی دست به مقاومت نزد به بیخ نیرو و گسترش پایگاه اجتماعی خود اقدام نکرد. و همچنان بر سیاست

ادامه در صفحه ۲

در این شماره

- سه آندیشه در انقلاب مشروطیت - صفحه ۹
- سقوط قیمت حقوق بشر - صفحه ۷
- آقای رفسنجانی، تصمیم بگیر! - صفحه ۷
- گزارشی از جمهوری آذربایجان - صفحه ۸

## یادداشت

## حکمتیاری در تهران چه کار داشت؟

بنا به دعوت رفسنجانی، گلبدین حکمتیار نخست وزیر افغانستان در رأس یک هیأت بلند پایه از تهران دیدار کرد. حکمتیار در این سفر که ۴ روزه طول انجامید، با رفسنجانی و حبیبی ملاقات کرد. بنا به نوشته روزنامه های تهران هدف سفر حکمتیار به تهران کمک به بازگشت افغانی های مقیم ایران، جلب برخی کمکها و همکاریهای اقتصادی از جمله مشارکت ایران در کشف و استخراج نفت و گاز افغانستان بوده است. لیکن نه روزنامه های تهران و نه حکمتیار در سخنرانی که در نماز جمعه تهران داشت، هیچگونه اشاره ای به موضوعات و مسائل مورد گفتگو در ملاقاتهای خصوصی یا مقامات جمهوری اسلامی نکردند.

نخستین سؤال اینست که چه تحولی رخ داده که اینبار حکمتیار طرف مذاکره تهران قرار گرفته است. راست اینست که تا قبل از توافق نامه اخیر میان دستجات تاجیک ریانی-احمد شاه و پشتون حکمتیار، ایران آشکارا و سخت جانب تاجیک ها را داشت و حکمتیار را مستول فجایع و آدم کشی ها شناخت. اما در ماههای اخیر هم حزب وحدت اسلامی و هم ایران علیه ریانی-احمد شاه و ائتلاف شمال چرخیده اند و گلبدین را مناسب حال یافته اند.

نخستین علت سفر گلبدین به تهران چیزی نیست جز تغییر موضع رژیم در منازعات میان پشتون ها با تاجیک ها و تصمیم تهران به جانبداری از گلبدین حکمتیار، او به تهران رفته است تا هم از میزان کمک و حمایت دولت ایران آزرده نشود و هم خودش سونه از افغانستان مطلع گردد و هم تعهداتی را که در مقابل رژیم ایران از او طلب می کند معین گرداند. گلبدین از اسلام آباد و از مذاکره با سران حکومت پاکستان به تهران آمد و از تهران هم مستقیماً به ریاض رفت تا در آنجا هم اهداف مذاکرات در تهران و اسلام آباد را به نتیجه برساند. در این دوره گردی چیزی که اصلاً نمیتوانست مطرح باشد مسائل اقتصادی و فکر کردن بحال مردم مصیبت زده افغانستان بوده است. اهداف این چنینی صرفاً سیاسی است.

گلبدین حکمتیار دو مسئله بسیار مهم را دنبال می کند. نخستین مسئله موضع کشورهای ایران، پاکستان و عربستان نسبت به منازعات در افغانستان است. پاکستان در این زمینه همواره موضع روشن داشته و حکمتیار را در تمام موارد به دیگران

## کمیسیون فرعی حقوق بشر...

بازداشت ها پس از تظاهرات ضد دولتی و از سرکوب خشونت بار تظاهرات مردم ابراز کرده اند. کمیته دیگر سازمان ملل متحد که مأمور نظارت بر اجرای پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی است نتیجه بررسی های خود در مورد ایران را اعلام کرده است. این کمیته نیز ایران را شدیداً محکوم کرد و از تعداد فوق العاده زیاد اعدام در ایران ابراز نگرانی کرد. دکتر محمدی سخنگوی وزارت امور خارجه در گفتگو با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در خصوص محکومیت ایران توسط کمیته های سازمان ملل میگوید:

ادامه از صفحه ۱

## تمکین رفسنجانی

تمکین و عقب نشینی تکیه نمود. رفسنجانی میخواست با تأمین منابع جمهوری اسلامی، حفظ ساختار سیاسی موجود و سلطه روحانیت، برنامه های خود را پیش ببرد. در حالیکه آنها از جهات مختلف با هم در تناقض بودند. مدیریت علمی با مدیریت فقهی همخوانی ندارد. با سلطه روحانیت و حفظ استبداد مذهبی نمی توان بر بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی غلبه کرد و کشور را به راه پیشرفت سوق داد. رفسنجانی برای شکستن مقاومت و قدرت رسالتی ها به مردم و نیروهای آگاه جامعه مراجعه نکرد و در صدد بسیج آنها بر نیامد. در جهت گشایش فضای باز سیاسی اقدامی نکرد و او همه از آن داشت که از تأمین ارزش ها و تمکین های رفسنجانی در مقابل فشار خامنه ای و رسالتی ها موقعیت او را در حکومت اسلامی و در بین تکنوکراتها و مردم تضعیف کرد و زمینه را برای قدرت گیری هر چه بیشتر رسالتی ها فراهم آورد. آنها اکنون قدرتمندترین جناح حکومتی هستند و گرچه هنوز قوه مجریه را قبضه نکرده اند ولی تلاش خواهند کرد که با دست رفسنجانی سیاستهای خود را پیش ببرند. چرا که آنها نه واجد عنصری نظیر رفسنجانی هستند و نه آلترناتیوی برای اداره کشور دارند.

رفسنجانی در دوره قبل توانسته بود امیدهای در بین بخش هایی از تکنوکراتها بوجود آورد و آنها بر این باور بودند که از طریق رفسنجانی خواهند توانست مدیریت فقهی را تضعیف و مدیریت علمی را در اداره کشور تقویت نمایند و روحانیت را بتدریج از اداره کشور کنار بزنند. ولی واقعیت نشان داد که امید بستن به رفسنجانی سرایی بیش نبوده است. رفسنجانی کسی نیست که در مقابل خامنه ای و رسالتی ها پرچم بردارد. او نشان داد که در جرگه افرادی نظیر منتظری نیست که در مقابل خمینی ایستاد و زبان به انتقاد از سیاستهای سرکوب خمینی گشود و پنهان این جسارت را به تن مالید. در سه سال اول حکومت رفسنجانی موقعیت مساعده ترا و امکانات بیشتر برای پس زدن رسالتی ها وجود داشت. اما از

## کابینه تازه رفسنجانی شروع بکار کرد

ادامه از صفحه ۱

نداشت. شبیهاتی اگر در ذهن نمایندگان بود باقی ماند و آراء متنوع زیاد شد و در نتیجه با ۴ رأی کمتر از حد نصاب، این وزیر مؤثر ما در میان اعضای دولت است. این اظهار نظرها در جهت است که میخواست نشان دهد موضوع بیشتر جنبه تصادفی داشته است تا برنامه ریزی شده. در مطبوعات کشور نیز اطلاعات کافی در این زمینه انعکاس نیافته است. روزنامه سلام

در مقاله ای این موضوع را بررسی کرده است ولی کم و کیف موضوع را روشن ننموده است. تنها در نوشته ای با عنوان "یادداشت اقتصادی" در روزنامه رسالت به تاریخ ۱۱ مرداد ماه به این موضوع اشاره شده است: "آرمان گرای و پابندی برخی سیاست گزاران و مدیران فعلی اقتصاد کشور به اقتصاد اسلامی محل تردید است. زیرا نه تنها گامی در جهت تدوین و به محک تجزیه در آوردن سیاست های مورد نظر اقتصاد اسلامی برنداشته اند، بلکه حتی در مواردی به آن توجهی ننموده اند" و "تدبیر سیاسی حکم میکند برای دستیابی به موقعیت اقتصادی از هر کجا جبری ضرر گرفته شود، منفعست است. اما در صورت تغییر برخی مسئولان اقتصادی کشور آیا با مشکل کمبود مدیران اقتصادی مواجه خواهیم شد؟ بی تردید پاسخ آن منفی است. زیرا همگی واقفیم که جهل الرجال به دلیل "عدم تغییرها" بوده است. تغییر به جا در یک سیستم، ارتقای شایسته، نه تنها مایه ضعف نخواهد شد، بلکه عین تقویت نظام است.

نوربخش، وزیر و زواره نقش ویژه ای داشت. او معمار و مجری برنامه "تعدیل اقتصادی" بود و نامش با برنامه تعدیل اقتصادی پیوند خورده بود. عدم رأی نمایندگان مجلس به نوربخش با توجه به موقعیت او، میتواند بازتاب های منفی در داخل و خارج از کشور داشته باشد و به این معنی تلقی شود که مجلس شورا به برنامه تعدیل اقتصادی رأی منفی داده و لذا این برنامه زیر سؤال رفته است. رفسنجانی نسبت به این مسئله حساس بود و به همین خاطر بلافاصله دست بکار شد و دو ساعت پس از

رأی مجلس، پست معاونت اقتصادی رئیس جمهور را ساخت و نوربخش را بعنوان معاون اقتصادی خود گماشت و معاون نوربخش را بعنوان سرپرست وزارت اقتصاد و دارای سرسبب کرد. در محافل سیاسی کشور گفته میشود که رفسنجانی تاکنون تصمیمی به این سرعت اتخاذ نکرده است و این نشانه موقعیت نوربخش در مجموعه سیاستهای اقتصادی دولت است. حذف نوربخش را میتوان در رابطه با یک سلسله عوامل دید. رسالتی ها که از اعتراضات فزاینده مردم به وا همه افتاده اند، در این مدت کوشیدند که مسئولیت نابسامانی ها را به گردن وزراء رفسنجانی بیندازند و خود را حامی مردم جا بزنند. حذف نوربخش که طرح برنامه تعدیل اقتصادی بود، می تواند در خدمت این فریبکاری باشد.

عامل دیگر را میتوان در رابطه با برنامه اقتصادی دید. گرچه رسالتی ها از برنامه تعدیل اقتصادی حمایت می کنند ولی تلقی آنها با رفسنجانی و تکنوکراتها یکسان نیست. آنها برنامه تعدیل اقتصادی را در جهت غارتگری هر چه بیشتر تجار میخواهند نه تقویت قدرت تولیدی جامعه. رسالتی ها این مسئله را با این عنوان مطرح می کنند که نوربخش و یاران او الگوهای اقتصادی و مالی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را بکار میگیرند و اقتصاد اسلامی را به فراموشی می سپارند.

در عین حال تجار بازار مخالفانها می با سیاستهای مالیاتی نوربخش داشتند و حاضر به پرداخت مالیات در مقابل غارتگری بی حد و حساب نبودند. آنها دل خوشی از سیاست های ارزی وزارت اقتصاد نداشتند و چند ترخی بودن ارز را به سود خود می دیدند. چرا که سودهایی از آن به جیب زده اند.

در حالیکه رفسنجانی و مجلس از ترکیب کابینه جدید اظهار رضایت کرده اند، جناح اقلیت حکومت سازش و ائتلاف آن دورا که متوجه تحکیم بیشتر قدرت محافظه کاران است با ناراضی استیصال کرده است. نمایندگان اقلیت مجلس که

یکسال قبل با این سوفا برای رفسنجانی مرتباً تنگ تر شده و امکانات محدود تر گشته است.

رسالتی ها بر قوه مقننه، قوه قضائیه، شورای نگهبان، دستگاه روحانیت و یکسری ارگانها جنگ انداخته اند و خامنه ای نیز در طرف آنها قرار دارد. روند تحولات در حکومت اسلامی در جهت تقویت هر چه بیشتر رسالتی ها و تضعیف موقعیت رفسنجانی و تکنوکراتها پیش میرود.

رفسنجانی زمانی که از موقعیت مساعده برخوردار بود نتوانست برنامه خود را متحقق کند. طبیعتاً او در دوره جدید با فشار فزاینده رسالتی ها و تضعیف امید تکنوکراتها به او، قادر نخواهد شد بر کوهی از مشکلات کشور غلبه پیدا کند. اکنون آنچه فضای سیاسی کشور را ترسیم میکند از یکسو بحران همه جانبه در کشور و تعمیق و گسترش بی سابقه آن، از سوی دیگر قدرت گیری روزافزون ارتجاعی ترین و قشری ترین نیرو در حکومت اسلامی است.

با تداوم این وضع، کشور در وضعیت بدتری قرار خواهد گرفت، مردم با مصائب بیشتری مواجه خواهند شد و جامعه با بحرانهای عمیق تر و همه جانبه تری دست و پنجه نرم خواهد کرد. نیروهای قشری در صحنه بین المللی کشور ما را به انزوای بیشتری سوق خواهند داد و وزیر عنوان گسترش اسلام به ما جراحوبی های شدیدتری دست خواهند یازید و در داخل کشور نیز برای حفظ سلطه خود صدای اعتراض مردم را با سرکوب جواب خواهند داد.

این وضع چاره جویی همه مردم و نیروهای آگاه جامعه را می طلبد. وقتی کشور در وضع فاجعه آمیزی قرار گرفته باشد، باید مردم در همفکری و همکاری با هم کشور را از سقوط نجات دهند. اولین گام برای تحقق این هدف، درک عمق فاجعه ای است که در مقابل مردم ما قرار دارد. درک عمیق این مسئله میتواند زمینه های همفکری و همکاری را فراهم آورد.

## شهریه های کمر شکن...

ادامه از صفحه ۱

کافی در بخش آموزشی خود داری میکند و در این زمینه حساس نیز امید به معجزه بخش خصوصی و بازار آزاد بسته است. بنا به آمارهای ارایه شده از سوی مقامات وزارت آموزش و پرورش هزینه سرانه پرورشی دانش آموزان در ایران تنها ۸۰ تومان است. کمبود فضای آموزشی و مدرسه، دانش آموزان و معلمان را رنج میدهد و مدارس دوسره و سه سره کیفیت آموزش را به شدت پایین آورده است. مطابق آمار، ۲۹ هزار مدرسه در سراسر کشور مورد نیاز است تا بتوان مدارس را یکسره کرد.

امانه تنها گامی در این جهت برداشته نشده است، بلکه روزبه روز بحجم مشکلات افزوده می شود. رئیس آموزش و پرورش قزوین اخیراً اعلام کرد با توجه به رشد جمعیت و کمبود فضای آموزشی، در برخی مناطق، سال تحصیلی جدید مدارس ۴۶۶ شیفته فعالیت خواهند کرد. قطعاً این وضع به "بعضی مناطق شهر قزوین" محدود نخواهد ماند. هم اکنون بسیاری از صاحبان اماکن، آموزش و پرورش را برای تخلیه مدارس استیجاری مورد فشار قرار داده اند، برای جلوگیری از این فشارها که خود عاملی در دامن زدن به کمبود فضای آموزشی است، دولت لایحه ای را به مجلس تقدیم کرد که مطابق آن تخلیه اماکن آموزشی که در تصرف دیگر پرورش است بمدت ۵ سال دیگر ممنوع است. کمیسیون قضایی مجلس این لایحه را خلاف شرع دانست و اصلاحیه ای در آن وارد کرد که "عسرو حرج آموزش و پرورش نباید با عسرو حرج مالک و موجر تعارض داشته باشد و در صورت این تعارض حکم تخلیه صادر میشود. و به این ترتیب دست مالکان برای تخلیه اماکن مذکور باز ماند.

آموزش در ایران با سرعت سرسام آوری طبقاتی می شود. گروهی اندک بهترین معلمان و امکانات را در اختیار میگیرند و بخشهای وسیعتری از کودکان و جوانان از دستیابی به آموزش مناسب و با کیفیت محروم می گردند. عواقب این امر برای آینده کشور فوق العاده زیانبار است.

قول حمایت فعالانه از رفسنجانی را داده بودند، پس از آنکه ائتلاف رفسنجانی و رسالت به نتیجه رسید و روشن شد که کابینه پیشنهادی در مجلس رأی خواهد آورد، سیاست سکوت در پیش گرفتند و در بحثهای مربوط به رأی اعتماد در مجلس دخالت فعالانه ای نکردند. روزنامه سلام طی تفسیری کابینه جدید را نسبت به کابینه قبلی یک "چرخش به راست" توصیف کرد و نوشت بر خلاف کابینه قبل که در مجموع کابینه ای میانه رو بود، در کابینه جدید موقعیت جناح راست بطور آشکاری تقویت شده است.

مخالفت ها می با سیاستهای مالیاتی نوربخش داشتند و حاضر به پرداخت مالیات در مقابل غارتگری بی حد و حساب نبودند. آنها دل خوشی از سیاست های ارزی وزارت اقتصاد نداشتند و چند ترخی بودن ارز را به سود خود می دیدند. چرا که سودهایی از آن به جیب زده اند.

در حالیکه رفسنجانی و مجلس از ترکیب کابینه جدید اظهار رضایت کرده اند، جناح اقلیت حکومت سازش و ائتلاف آن دورا که متوجه تحکیم بیشتر قدرت محافظه کاران است با ناراضی استیصال کرده است. نمایندگان اقلیت مجلس که

## جلال الدین فارسی به پرداخت دیه محکوم شد!

جلال الدین فارسی کاندیدای نخستین دوره ریاست جمهوری و از دست اندرکاران حکومت اسلامی که به جرم قتل عمد در دادگاه محاکمه میشد به پرداخت دیه به خانواده مقتول محکوم شد!

جلال الدین فارسی در مهرماه سال گذشته به هنگام شکار در اطراف روستای دنبلید از توابع شهرستان طالقان کرج با فردی بنام محمد رضا رضاخانی بر سر شکار درگیری پیدا کرد و با تفنگ شکاری خود ۳ گلوله به سوی وی شلیک نمود. گلوله سوم موجب قتل محمد رضا رضاخانی گردید. جلال الدین فارسی بدنبال این حادثه به اتهام قتل عمد دستگیر شد. اما ادامه در صفحه ۷

## آیا چین تعهد خود را نقض کرده است؟

● آمریکایی گوید چین به ایران سلاح شیمیایی صادر می کند

کشتی چینی بین هه که چندین روز در آبهای خلیج فارس متوقف بود سرانجام هفته گذشته در بندر دمام، متعلق به عربستان سعودی لنگر انداخت تا مورد بازرسی قرار گیرد. این کشتی حاوی صدها کانتینر بوده که مقصد ۲۴ تانای آنها ایران است. دولت کلینتون مدعی گردیده بود گزارشی در دست دارد که نشان می دهد کانتینرهای که به مقصد ایران حمل می شوند حاوی مواد شیمیایی است که برای ساختن سلاح شیمیایی بکار میروند. دولت چین قویاً این ادعا را تکذیب کرده و در عین حال با هرگونه بازرسی کشتی توسط قوای امریکائی حاضر در خلیج فارس که راه را بر کشتی چینی بسته اند مخالفت کرده است. اما

سرانجام چین موافقت کرد که کشتی به عربستان برود و در آنجا بازرسی شود. مشروط بر اینکه تمام هزینه های ناشی از معطلی و تأخیر کشتی از جانب بازرسی کنندگان پرداخت شود. تا امروز هیچ نشانه ای وجود نداشته است که چین مقررات قرارداد منع گسترش سلاح های شیمیائی را رعایت نکرده باشد. بسیاری از مقامات امریکائی شک دارند که اطلاعات ارائه شده درباره محتوای کانتینرها صحیح بوده باشد. آنها بویژه تأکید می کنند که اگر در کشتی چینی واقعاً سلاح شیمیایی یافت نشود آنگاه بازرسان این کشور دیگر بسیاری به سختی قادر خواهند شد جلوی کشتی دیگری را

برای بازرسی بگیرند. اصرار دولت کلینتون ناشی از دو چیز است. یکی اعلام این امر به ایران که دولت امریکادرجلگیری از صدور سلاح های مخرب به ایران بسیار جدی است. و دیگر، اعمال فشار بیشتر بر چین است که امریکای بگیران می گویند آن را تحت کنترل داشته باشد. نمونه دیگر مجازاتی است که باز هم هفته گذشته از جانب امریکا علیه چین به این علت اعمال شد که گفته شده بود چین موشک های قادر به حمل سلاح هسته ای به پاکستان فروخته است. ایران و پاکستان و چین فوراً این ادعای امریکا را قویاً تکذیب کردند.

## بخش دیگری از خاک آذربایجان به اشغال مهاجمان ارمنستان درآمد

● دهها هزار تن از مردم آذربایجان به سمت شرق و جنوب سرازیر شده اند

هیچ یک از دیپلماتها و خبرنگاران نیز اجازه ورود به مناطق اشغالی را نمی دهند. مقامات صلیب سرخ جهانی که هفته گذشته کوشیده اند زیر پرچم صلیب سرخ به مناطق اشغالی وارد شوند، زیر شلیک آتش ارتش ارمنی ها مجبور به بازگشت شده اند.

از سازمان های خیریه بین المللی هنوز هیچ کمکی برای آوارگان آذری نرسیده است، حتی یک چادر، حتی یک پتو.

اشغال گران ارمنی با دقت به سوزاندن و نابود کردن دهات تخلیه شده مشغولند. آنها می خواهند بدین ترتیب هرگونه فکر بازگشت را از سر آوارگان بدور کنند. حیدر علی اوف کفیل ریاست جمهوری، ارتش و مردم را به دفاع از سرزمین مادری و پس گرفتن اراضی اشغالی فراخوانده است. اما در کشوری بحران زده و متلاشی، بی هیچ پشتیبانی از هیچ سو، با میراث اسف باری از حکومت گذشته، مردم به شنیدن اخبار زجرها و محرومیتها و شکست ها اکنون بیشتری اندیشند تا به پیروزی ها و پیشرفت ها.

بشدت به وخامت گرائید. او ادعا میکرد که ایران در جنگ به ارمنی ها کمک نکرده است. اما هیچ منبع مستقل دیگری این ادعا را مورد تأیید قرار نمی داد.

ولایتی در سفر به باکو در دیدار با حیدر علی اوف روی سه مسأله بسیار مهم که مورد علاقه وافر آذربایجان است انگشت گذاشت. قبل از همه او تأیید و تأکید کرد که ایران مهاجم ارمنی را محکوم می کند، خواهان خروج بی قید و شرط آنان از قلمرو آذربایجان است و معتقد است مسأله ی قره باغ نه از طریق جنگ که از طریق مذاکره باید حل و فصل شود.

ثانیاً ولایتی از گسترش همکاری ها و مناسبات اقتصادی با جمهوری آذربایجان به گرمی استقبال کرد. در این سفر یک توافقنامه همکاری های اقتصادی شامل ۱۲ مورد با مضامین طرفین رسید. مهمترین بند این توافقنامه به همکاریهای نفتی دو کشور مربوط میشود. ایران تعهد کرد که در اکتشاف، استخراج و تولید نفت و تصفیه فرآورده های نفتی و در

خواهان گشایش کنسولگری خود در تبریز بوده است و ایران بی آنکه این خواسته را صریحاً رد کند پاسخ به آن را به تعویق انداخته است و درخواست آذربایجان در این زمینه در اعلامیه پایان مذاکرات مسکوت مانده است.

ولایتی به محض بازگشت به تهران باردیگر اعلام کرد ایران در تنظیم سیاست خود در قبال آذربایجان نظریه و موضع مسکونست به این همکاری ها و روابط را مورد توجه قرار می دهد. هر بار که ولایتی سفری به کشورهای مسلمان نشین شوروی سابق داشته است تمایل ایران را به همکاری با روسیه برای حفظ و تأمین صلح و ثبات در این مناطق مورد تأکید قرار داده است. سفر ولایتی به باکو که در یکی از بحرانی ترین دوره های حیات ملت آذربایجان انجام گرفت بی شک در گشایش و گسترش روابط دو کشور اثر مثبت خواهد داشت. گشایش و گسترشی که چنانچه خردمندان و به دور از فرصت طلبی های ملی و مذهبی با آن برخورد شود بسود و به مصلحت مردم دو کشور می تواند تأثیر کند.

شورش علی اکرم همت زاده به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی یکی از فرماندهان سابق ارتش آذربایجان بنام علی اکبر همت اف در خرداد ماه گذشته علیه حکومت مرکزی آذربایجان دست به شورش زده، و در نواحی جنوب شرقی آذربایجان در منطقه طالش و مغان یک "جمهوری خود مختار" اعلام کرده است. به گزارش روتتر پارلمان آذربایجان به صورت حسین اف نخست وزیر دستور داده است که شورش سرهنگ همت اف را سرکوب و امنیت را به آن منطقه بازگرداند. اما تا کنون که دو ماه از اعلام خود مختاری منطقه گذشته است هنوز وضع به حال سابق بازنگشته است.

منطقه طالش حاصل خیزترین بخش آذربایجان و غنی ترین و ثروتمندترین قسمت این کشور است. زبان برخی مردم این ناحیه طالشی است که از شاخه های زبان های ایرانی و نزدیک به فارسی است. اما این زبان فاقد منابع کتبی غنی است و هیچگاه در مؤسسات آموزشی به تدریس گذاشته نشده است. کادرهای برخاسته از منطقه طالش، مثل نخجوان، همیشه در حکومت و در لایه های بالائی جامعه آذربایجان صاحب نفوذ بوده اند.

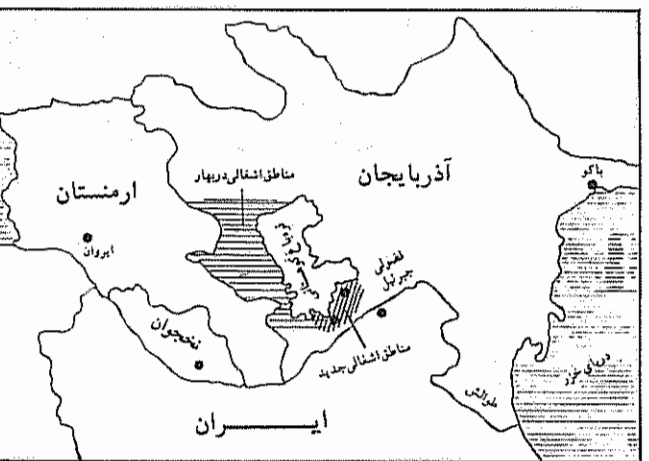
ادامه از صفحه ۱

با پای پیاده، تراکتور و کامیون، با اتوبوس و کامیون و گاری و غیره به سمت شرق و جنوب راهی شده اند. از شهرک احمدلی یک که سرمرز، کنار ارس و مقابل شهر اصلاندوز در ایران واقع است تا حدود ۷۰ کیلومتر به طرف شمال غرب، به طرف فضولی و جبرئیل دهها زن و بچه، پیرو جوان با گاو گوسفند و چارپایان خود، یا بار و بینه ای که بر دوش می کشند صف کشیده و ملجائی برای پناه جستجو می کنند. صف آوارگان بی انتهاست. آنها می گریزند اما هیچ نمی دانند به کجا میروند. شب ها را کنار جاده، در کومه های روستائی سر راه در اتوبوس و کامیون و یا بی هیچ سرپناهی سر می کنند.

در فروردین ماه گذشته، وقتی تهاجم قبلی ارمنی ها در غرب قره باغ شروع شد، ۲۵۰ هزار آذری بیگانه قربانی و آواره این تعرض وحشیانه شدند. این بار معلوم نیست فاجعه و جنایت دامنگیر چند صد هزار نفر می گردد.

تا قبل از این در نواحی اشغالی جدید تا مرز ایران، جمعیتی حدود ۵۰۰۰ نفر سکونت داشت. اگر فشار و هجوم تا مرز ایران گسترش یابد حدود ۵۰۰۰ نفر دیگر نیز آواره میشوند. از سوی دیگر با محاصره درآمدن مناطق جنوب قره باغ جمعیت شهرها و شهرکهای زنگلان، قبادلی، خان لیک، مین جوان و دهات و قصبات اطراف نیز با جمعیتی حدود ۷۰۰۰۰ نفر دربر خواهند شد. و اینها هیچ راهی جز فرار به ایران نخواهند داشت.

مقامات سازمان ملل می گویند مشغول آماده کردن مراکز برای اسکان امواج پناهندگان آذری در داخل خاک ایران هستند. اما آذری هائی که طرف ایران گریخته اند توسط سربازان مرزی ایران متوقف و بازگردانیده شده اند. دولت ایران هنوز رسماً هیچ موضعی در این زمینه اعلام نکرده است.



سفر ولایتی به باکو

در آستانه تهاجم تازه ارمنه به شهرها و روستاهای آذربایجان علی اکبر ولایتی به باکو سفر کرد و دیدارها و مذاکراتی را با مقامات آذربایجان به انجام رساند. هدف اصلی ولایتی از سفر به باکو اعلام حمایت آشکار ایران از جمهوری آذربایجان در منازعات با ارمنستان بود. ولایتی، بلند پایه ترین مقام ایرانی است که پس از زوری کار آمدن حیدر علی اوف به آن کشور سفر می کند.

روابط ایران و آذربایجان در دوره ی یکساله حکومت ابراهیم ایلچی بیگ که کار گزار ترکیه بود

در فروردین ماه گذشته، وقتی تهاجم قبلی ارمنی ها در غرب قره باغ شروع شد، ۲۵۰ هزار آذری بیگانه قربانی و آواره این تعرض وحشیانه شدند. این بار معلوم نیست فاجعه و جنایت دامنگیر چند صد هزار نفر می گردد.

تا قبل از این در نواحی اشغالی جدید تا مرز ایران، جمعیتی حدود ۵۰۰۰ نفر سکونت داشت. اگر فشار و هجوم تا مرز ایران گسترش یابد حدود ۵۰۰۰ نفر دیگر نیز آواره میشوند. از سوی دیگر با محاصره درآمدن مناطق جنوب قره باغ جمعیت شهرها و شهرکهای زنگلان، قبادلی، خان لیک، مین جوان و دهات و قصبات اطراف نیز با جمعیتی حدود ۷۰۰۰۰ نفر دربر خواهند شد. و اینها هیچ راهی جز فرار به ایران نخواهند داشت.

مقامات سازمان ملل می گویند مشغول آماده کردن مراکز برای اسکان امواج پناهندگان آذری در داخل خاک ایران هستند. اما آذری هائی که طرف ایران گریخته اند توسط سربازان مرزی ایران متوقف و بازگردانیده شده اند. دولت ایران هنوز رسماً هیچ موضعی در این زمینه اعلام نکرده است.

در پیرون شهرهای کونیز در ناحیه ساعتی ۱۳۰ کیلومتری جنوب غربی باکو پست های بازرسی ارتش و پلیس آذربایجان، فراریان از مناطق اشغالی را چنانچه فامیلی در شهر نداشته باشند - متوقف و بر می گردانند. در هر روستائی که مدرسه ای بوده است بی توت گاه دهها خانوار شده است.

مقامات ارمنی به هیچ کس، حتی به نمایندگان صلیب سرخ و کبیرای عالی پناهندگان و نیز به

## در حاشیه رویدادها

### "اگر شعله سعیدی توبه نکرد..."

مجلس پشاد. از هر سو فریاد بلند شد که: باید توبه کند! برادرنا طوق نوری رئیس مجلس، که رئیس فدراسیون بوکس نیز می باشد، بطور علنی در مجلس اعلام کرد: اگر توبه ادعا میکرد ریگی به کش ندارد و یک استثناست و از هیچ کس نمی ترسد، فوراً جازد و مدعی شد که روزنامه ها سخنان او را تحریف کرده اند و برای اینکه گریبان خود را رها کند، انگشت اتهام و تقصیر به سوی روزنامه سلام نشانه گرفت که از حساسیت نمایندگان اکثریت در مجلس به آن آگاه بود. و برای تکمیل توبه نامه، شعری نیز در وصف خامنه ای و ولایت فقیه سرود و به تابلو اعلانات مجلس چسباند.

اما ماجرا خاتمه نیافت. حائری شیرازی امام جمعه شیراز اعلام کرد: مجلس نباید از کنار اظهارات شعله سعیدی بگذرد و باید اعتبارنامه او را مجدداً بررسی کند و حزب الله شیراز در تأیید این سخنان راهبیمایی کرد.

وهمین ماجرا تا نید آن حقیقتی است که شعله سعیدی بر زبان آورد: نظام ولایت فقیه یک چیز است و نظام پارلمانی چیز دیگر. این دو را با هم سازگاری نیست.

قاسم شعله سعیدی نماینده شیراز در مجلس شورای اسلامی است. او به خاطر مخالفتش با جناح چپ و مخالفت این جناح با او جزو نمایندگان سرشناس مجلس چهارم شد. آنطور که گفته می شود گویا در زندگیش مسائل بوده و هست که هر یک از آنها برای رد اعتبار نامه وی در مجلس کفایت می کرد. اما "جناح راست" (رسالتهای) اعتبارنامه او را تصویب کرد. زیرا وی یکی از مخالفین دو آتشه "جناح چپ" بود. لیکن آقای شعله سعیدی قدر این نمک را ندانست و نمکدان را شکست! و حرفهای زد که گویا نمی یابست میزد. در قانون اساسی ما تضاد و تناقض وجود دارد، نظام ما نظام ولایت فقیه است ولی توقع مردم از پارلمان مانند توقع مردم فرانسه است از پارلمان خودشان و این عملی نیست زیرا پارلمان در نظام ما نقش درجه یک ندارد. به خاطر دارید صرف اینکه هشت نفر از وزیر امور خارجه ستوالی کرده بودند موجب متلاشی شدن زندگی سیاسی آنها شد و این نشانگر عدم استقلال مجلس است.

سخنان شعله سعیدی از چهار دیوار مجلس گذشت و به روزنامه ها راه یافت لیکن جنجال اصلی در

مجلس پشاد. از هر سو فریاد بلند شد که: باید توبه کند! برادرنا طوق نوری رئیس مجلس، که رئیس فدراسیون بوکس نیز می باشد، بطور علنی در مجلس اعلام کرد: اگر توبه ادعا میکرد ریگی به کش ندارد و یک استثناست و از هیچ کس نمی ترسد، فوراً جازد و مدعی شد که روزنامه ها سخنان او را تحریف کرده اند و برای اینکه گریبان خود را رها کند، انگشت اتهام و تقصیر به سوی روزنامه سلام نشانه گرفت که از حساسیت نمایندگان اکثریت در مجلس به آن آگاه بود. و برای تکمیل توبه نامه، شعری نیز در وصف خامنه ای و ولایت فقیه سرود و به تابلو اعلانات مجلس چسباند.

اما ماجرا خاتمه نیافت. حائری شیرازی امام جمعه شیراز اعلام کرد: مجلس نباید از کنار اظهارات شعله سعیدی بگذرد و باید اعتبارنامه او را مجدداً بررسی کند و حزب الله شیراز در تأیید این سخنان راهبیمایی کرد.

وهمین ماجرا تا نید آن حقیقتی است که شعله سعیدی بر زبان آورد: نظام ولایت فقیه یک چیز است و نظام پارلمانی چیز دیگر. این دو را با هم سازگاری نیست.

### سردبیر روزنامه سلام دستگیر شد

سیاست انتقادی تند را نیز علیه جناح رسالت در پیش گرفت. به نوشته هفته نامه کیهان هوایی، مهدی نصیری سردبیر روزنامه کیهان نیز در روزهای گذشته بازداشت شد، اما وی را با قید ضمانت آزاد کرده اند. گفته می شود وی به زودی به دادگاه فراخوانده خواهد شد. بازداشت سردبیر کیهان در ارتباط با شکایت آیت الله یزدی رئیس قوه قضائیه بوده است.

ادامه از صفحه ۱

دستگیری عباس عبیدی اعلام نشده است، موسوی خوینی ها گفت که بازداشت او احتمالاً به خاطر انتقادهای روزنامه سلام به هاشمی رفسنجانی و انتشار اخبار مربوط به پدر فتاری های اخیر مقامات رژیم با آیت الله منتظری صورت گرفته است. روزنامه سلام از سیاست های هاشمی رفسنجانی به ویژه در مسائل اقتصادی، به نحو آشکاری انتقاد می کند. این روزنامه در ماههای اخیر

### اوپک در گیر بحران ...

جمهوری اسلامی میتواند به سهمیه تعیین شده از سوی اوپک با پسند بماند. هر دو کشور بسیاری از دیگر اعضای اوپک به دلارهای نفتی هر چه بیشتر سخت نیازمندند. عربستان سعودی و کویت که زمانی نه چندان دور محلی برای درآمد های سرشار حاصل از نفت نمی یافتند، به دلیل جنگ خلیج فارس و خرید های عظیم تسلیحاتی اکنون با مشکلات مالی مواجه شده اند. عربستان بودجه سال جاری خود را بر پایه صادرات ۸ میلیارد بشکه در روز به قیمت هر بشکه ۷/۴ دلار برآورد کرده و بر همین مبنا ۷/۴ میلیارد دلار نیازمند درآمد های هر چه بیشتر برای بازسازی و خریدهای هنگفت تسلیحاتی است. موقعیت جمهوری اسلامی دشوارتر است. بحران ارزی چنان گلری رژیم را می فشارد که برای کسب هر دلار نفتی حاضر است به هر تخلفی نیز دست زند. اکنون مدتهاست گزارشهایی در مورد فروش ارز و بیش از سهمیه تعیین شده نفت توسط جمهوری اسلامی به گوش می رسد. رژیم در شرایط فعلی بیش از هر زمان به حراج ارز نفت کشورمان نیاز دارد.

دلایل فوق، توافق کشورهای عمده صادرکننده نفت اوپک و تمهد آنها به چنین توافقی را که نیاز اوپک برای تحکیم موقعیت این سازمان می باشد دشواری سازد.

ادامه از صفحه ۱

چشم پوشی کند تا صادرات اوپک کاهش یافته و قیمتها افزایش یابند. عربستان سعودی با این راه حل مخالفت میکند. وزیر نفت این کشور گفته است که کشورش خیال ندارد تولید خود را به کمتر از ۸ میلیون بشکه در روز کاهش دهد. به گفته وزیر نفت این کشور جمهوری اسلامی یگانه عامل کاهش قیمتها است زیرا با تخلف از سهمیه خود صادرات بیش از اندازه نفت، موجب ازدیاد عرضه و کاهش قیمتها شده است. سهمیه رسمی ایران ۳/۳۴ میلیون بشکه در روز است. کویت اخیراً رسماً اعلام کرده است که علیرغم سهمیه تعیین شده تولید نفت خود را با ۴۰ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد داد.

سفر اخیر وزیر نفت کشور گاهن که رئیس فعلی اوپک است به کشورهای حوزه خلیج فارس نیز نتوانسته به راه حلی برای حل اختلاف بیانجامد. "زان بینگ" رئیس اوپک از عربستان و ایران دیدار کرد و با مقامات نفتی دو کشور گفتگو نمود، اما علیرغم آن، کنفرانس اضطراری وزرای نفت اوپک که قرار بود در بغداد دروین تشکیل شود و به مسایل مورد اختلاف رسیدگی کند به تعویق افتاد.

بسیار دشوار به نظر می رسد جمهوری اسلامی و عربستان سعودی به اقداماتی تن دهند که بحران موجود در اوپک را رفع کند. نه عربستان سعودی حاضر است از سهمیه ۸ میلیونی خود چشم پوشد و نه

## آیت الله منتظری در تهران بستری شد

آیت الله منتظری روحانی مغضوب حکومت که مدت‌هاست عملاً در قم تحت نظر می‌باشد، اواخر خرداد ماه بعثت بیماری کلیوی جهت معالجه راهی تهران شد. مقامات وزارت اطلاعات که از حضور وی در تهران ناخوشند شده و احساس نگرانی می‌کردند، مانع بستری شدن وی در بیمارستان شده وی را به قم بازگرداندند. این برخورد غیر انسانی موجب اعتراض در قم گردید، بطوریکه مقامات رژیم برای آنکه دامنه اعتراضات بالا نگیرد، در سیاست خود تجدید نظر کرد و به بستری شدن آیت الله منتظری در تهران تن دادند. رادیو دولتی ایران در یکی از بخش‌های خبری خود، بستری شدن آیت الله منتظری در بیمارستان خاتم الانبیا تهران را اعلام کرد.

## اعتراض گسترده فرهنگیان زنجان

در هنگام برگزاری آزمون ورودی دانشگاه آزاد زنجان یکی از فرماندهان بلند پایه نیروهای انتظامی زنجان که به عنوان داوطلب در این آزمون شرکت کرده بود، بخاطر انجام تقلب توسط یکی از فرهنگیان خوشنام شهر که وظیفه نظارت آزمون را عهده دار بود از جلسه اخراج شد. در قبال این اقدام فرمانده مزبور ممتحن یاد شده را مورد ضرب و شتم وحشیانه‌ای قرار داد که به شکستن فک فرهنگیان مذکور منجر شد. در پی این عمل گستاخانه‌ای از اعتراض و ناآرامی مراکز آموزشی زنجان رافرا گرفت. فرهنگیان زنجان با امضای یک طومار هفت متری ضمن محکوم کردن ضرب و شتم همکار خود، با اشاره به وجود "قانون جنگل" در جامعه، خواستار پیگیری فوری واقعه و پیگرد قانونی این کارگزار جمهوری اسلامی شدند.

## شبکه ستادهای

امر به معروف در سراسر

کشور تشکیل می‌شود

جنتی رئیس ستاد مرکزی امر به معروف و نهی از منکر با اعلام اینکه این ستادها تاکنون در استانهای تهران، آذربایجان غربی، گیلان و کرمانشاه تشکیل شده است، خواهان گسترش این شبکه سرتانی در سطح کل کشور شد. وی گفت: مردم و جوانان دلسوز و معتمد که نگران نشرفساد در جامعه هستند اگر خودشان بخواهند جمعیت و انجمن برای مبارزه با این مفاسد تشکیل دهند مورد حمایت قرار می‌گیرند. رژیم تحت لوای امر به معروف و نهی از منکر ابتدایی‌ترین حقوق فردی و اجتماعی شهروندان کشورمان را به وحشیانه‌ترین شکل بارها با اعمال کرده‌اند. بیم آن می‌رود که با گسترش این نهاد های سرکوب فشارهای عوامل رژیم بر مردم به خصوص زنان و جوانان تشدید شود.

## از میان رویدادها

### سرکوب یک گروه مذهبی در قم

شهر قم پایگاه سنتی روحانیت به یکی از شهرهای نا آرام کشور بدل شده و ناراضیان مذهبی به فعالیتهای ضد رژیم در این شهر دست زده‌اند. اخباری به ما رسیده که به موجب آن نیروهای اطلاعاتی رژیم در زمستان سال گذشته یک گروه مذهبی را در این شهر کشف و متلاشی کردند. این گروه که "رجعت" نامیده می‌شد قصد داشته است علیه رژیم به مبارزه مسلحانه دست بزند. مطابق اخبار فوق، این گروه شدیداً مذهبی، اعتقاد داشته که قبل از ظهور مهدی امام دوازدهم شیعیان باید برای نجات اسلام دست به انقلاب زد. گفته می‌شود عناصر رهبری و اصل این گروه بیشتر دکترو دانشجو بوده‌اند. خیرها حاکی از آن است که پس از کشف گروه فوق، رژیم کلیه اعضای

آن را بی سروصدا اعدام کرده است. میزان درستی این خبر معلوم نیست. اما گزارشها بیشتر حاکی از آن است که تمایل به فعالیتهای ضد رژیم در میان افرادی که جزو وابستگان رژیم اسلامی بوده‌اند و اکنون از آن مایوس و سرخورده شده‌اند، روبه گسترش است. گروهی از اینگونه افراد که اعتقادات شدید مذهبی نیز دارند به تشکیل گروه‌های پنهانی روی می‌آورند. میزان حساسیت رژیم نسبت به چنین فعالیتهایی فوق العاده بالاست و ارگانهای اطلاعاتی و امنیت جمهوری اسلامی بخش مهمی از فعالیت خود را متوجه کشف و سرکوب شدید اینگونه فعالیتهای می‌کنند.

### تعطیل دو کارخانه دیگر

تولیدی گرفته است. کارخانه مازندران که سازنده انواع ظروف پلاستیک می‌باشد، بدلیل عدم تخصیص ارز از سوی دولت جهت تأمین ورود مواد اولیه تعطیل شد. مدبرعامل این کارخانه بعثت عدم اختصاص ارز از سوی دولت و همچنین نبودن امکان دریافت ارز برای کارخانه‌هایی نظیر کارخانه یاد شده، تصمیم به تعطیلی این واحد

تولیدی گرفته است. کارخانه دوخت خزر آمل نیز بعثت نداشتن مدبر و مشکلات مالی اخیراً تعطیل شده است. سیاستهای اقتصادی دولت، فشار زیادی را به ویژه بر واحدهای کوچک تولید وارد می‌کنند. در چند ماهه اخیر، توقف و یا کاهش تولید کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی و تولیدی در کشور شتاب گرفته است.

### چند کارگر در انفجار معدن کشته شدند

انفجار گاز برتان که در یکی از تونلهای معدن انباشته شده بود روی داد و به دنبال آن هزاران تن سنگ و خاک ریزش کرد. احتمال وقوع انفجار در معدن مذکور پیش از این توسط کارشناسان مربوطه تذکر داده شده بود، اما علیرغم آن اقدامات پیشگیرانه صورت نگرفته بوده و کارگران حتی فاقد چراغ مخصوص ایمنی خنثی سازی گاز بوده‌اند.

روز ۵شنبه ۲۸ مرداد ماه گذشته ۲۰ کارگر بر اثر انفجار در معدن "باب نیوز" که در کرمان قرار دارد زیر خروارها سنگ مدفون شدند. گزارشها حاکی از آن است که چندین تن از کارگران در اثر این حادثه جان خود را از دست داده‌اند. گزارشهای اولیه حاکی از کشته شدن ۲۰ کارگر بود، اما بعداً گفته شد تعداد کسانی که در این حادثه جان خود را از دست داده‌اند، کمتر از این بوده است. حادثه بر اثر

### معاون وزیر خارجه:

### به ایرانیان خارج گذرنامه داده می‌شود

کشور می‌باشد لیکن نتایج بی‌پایه نیاروده است. موانع بازگشت ایرانیان خارج از کشور به مشکل روادید و گذرنامه بلکه آن سیاستهایی است که ۱۵ سال است همچنان بر کشور حاکم است و علیرغم ادعاهای بسیار از سوی دولتمردان رژیم هیچگونه تغییر اساسی پیدا نکرده است. فقدان آزادیهای مشروع و امنیت سیاسی و قضایی، سیطره افکار قرون وسطایی بر مدیریت کشور و تشدید بحران اجتماعی اقتصادی در اثر تداوم وضع فوق بدون هیچ چشم اندازی برای حداقل گشایشی در اوضاع کشور، آن موانع اساسی هستند که سد راه بازگشت میلیونها ایرانی به کشورشان و مشارکت آنان در بازسازی ایران هستند. موانع پیش گفته، طی یکساله اخیر تنها تخفیف نیافته، بلکه بیش از پیش افزایش یافته‌اند.

منوچهر متکی معاون وزارت خارجه هفته گذشته در گفتگویی اعلام کرد که دولت جمهوری اسلامی تسهیلاتی فراهم آورده تا ایرانیانی که بطور غیرقانونی از کشور خارج شده و فاقد گذرنامه جمهوری اسلامی هستند، بتوانند گذرنامه دریافت کنند. متکی گفت تاکنون ۲ هزار تقاضا برای دریافت گذرنامه به سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی رسیده است. دولت جمهوری اسلامی پیش از این نیز بدون اعلام رسمی، در صورت تقاضای ایرانیان خارج از کشور، مبادرت به صدور گذرنامه برای آنها می‌کرد. صدور گذرنامه شامل آن ایرانیانی می‌شود که تابعیت دیگری اختیار کرده و یا دارای گذرنامه کشور دیگر هستند. این اقدام بخشی از سیاستهای دولت جمهوری اسلامی به منظور ترغیب ایرانیان خارج برای بازگشت به

### ضوابط جدید تشکیل انجمن های صنفی

مشیریان مدیر کل سازمانهای کارگری و کارفرمایی وزارت کار مقررات جدید تشکیل انجمن های صنفی را اعلام کرد. مطابق این مقررات کمترین حد نصاب برای تشکیل انجمن صنفی کارگری در سطح کارگاه نفرودر صنف پنجاه نفر می‌باشد. وی فعالیت و تشکیل انجمن های صنفی را مشروط به داشتن اساسنامه و همچنین ثبت در وزارت کار و امور اجتماعی نمود. از جمله وظایف و اختیارات انجمن ها و کانونهای مربوطه، کوشش در جهت استیضاهای حقوق صنفی و خواستههای مشروع و قانونی اعضا، همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در جهت شناخت مشکلات کارگری، فعالیت مشترک با کانونهای عالی انجمنهای صنفی

سراسر کشور در حدود قوانین و مقررات کشور و همکاری با سایر تشکیلات کارگری و کارفرمایی می‌باشد. تشکیل اتحادیه‌ها و سندیکاها کارگری مستقل و به رسمیت شناخته شدن آنها از سوی دولت از بدو انقلاب یکی از خواسته‌های اساسی کارگران ایران بوده است که همواره بایستی توجهی و کارشکنی مقامات رژیم و اعمال خواست را پیگیری کرده‌اند، روبرو بوده است. اکنون نیز علیرغم آنچه مدبر کل وزارت کار در مورد تشکیل انجمن های صنفی کارگری اعلام کرده است، بنظر نمی‌رسد تحولی واقعی در این سیاست روی داده باشد.

### وزیر ارشاد: در کشور مانعایی چاپ می‌شود

### که سختی با فرهنگ جامعه ندارد

حاضر به تأیید حملات اوباش حزب الله به نشریات مستقل و کتابهای منتشره از سوی نویسندگان مترجمان غیر حکومتی نشده بود. اما اکنون سخنان وزیر ارشاد این نگرانی را تقویت میکند که فشار و نفوذ عوامل حزب الله، این وزارتخانه را بسوی برخورد های سرکوبگرانه و تشدید سانسور بیشتر سوق دهد.

لاریجانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در جمع نمایندگان فرهنگی رژیم در خارج از کشور، از وضعیت انتشار کتب و مطبوعات در کشور انتقاد کرد و گفت: در کشور مانعایی چاپ می‌شود که سختی با فرهنگ جامعه ندارد. وزارت ارشاد تاکنون مدافع فعالیت محدود نویسندگان دگراندیش در کشور بوده



پیشروی آب دریای خزر همچنان ویرانی بی‌ارمی آورد. از سال ۶۸ که پیشروی آب آغاز شد تاکنون نزدیک به ۳ هزار واحد مسکونی دولتی و خصوصی به کلی از بین رفته است و ۳ میلیارد ریال خسارت وارد آمده است.

### حمله به مقر مجاهدین در عراق

نشده و ساختمان مورد حمله نیز آسایشگاه زنان سالخورده بوده است. از سوی دیگر خبرگزاری جمهوری اسلامی در گزارشی اعلام کرد دبیر دوم سفارت جمهوری اسلامی در بغداد توسط افراد مجاهدین خلق مورد حمله قرار گرفته و بشدت مجروح شده است. به گفته این خبرگزاری دبیر دوم سفارت برای مداوا به کرمانشاه انتقال داده شده است.

روزنامه کیهان در خبری اعلام کرد در حمله‌ای که هفته گذشته به مقر سازمان مجاهدین خلق در بغداد صورت گرفت ۱۷ نفر کشته شده‌اند. این روزنامه از حمله کنندگان به مقر مجاهدین به عنوان افراد ناشناس نام برده است. در خبر دیگری که منبع آن مجاهدین خلق است، گفته شده عوامل رژیم جمهوری اسلامی به ساختمانی در بغداد حمله کرده و آترابه آتش کشیدند، لیکن کسی در این آتش سوزی کشته یا مجروح

## شایعات مختلف درباره خودکشی

### دادستان انقلاب رشت

با گذشت سه هفته از خودکشی محسن خداوردی، دادستان انقلاب اسلامی گیلان، هنوز شایعات و ابهامات درباره علل خودکشی وی ادامه دارد. وی نخستین فرد از مقامات حکومت اسلامی است که دست به خودکشی زده است. این شخص سه هفته پیش در خانه پدری خود در شهر قزوین با استفاده از اسلحه کمری و شلیک گلوله‌ای به سمت چپ سینه‌اش به زندگی خود پایان داد. شایعات اولیه که در روزنامه‌های تهران نیز انعکاس یافت، حاکی از آن بود که وی برای فرار از مجازات ناشی از مشارکت در یک سری خلافت‌ها دست به خودکشی زده است.

در یادداشتی که از جیب وی بدست آمده نوشته شده است: "من از کسی شاکتی نیستم ولی گریبان مسبین مرگم را در روز قیامت خواهم گرفت لیکن بعداً گفته شد که دادستان انقلاب اسلامی گیلان نامه مسووطی از خود بجای گذاشته و در آن به گزارشی اشاره شده که وی قبلاً درباره خلافت‌ها و فساد برخی مقامات قضایی و حکومتی در گیلان تهیه و ارسال کرده بود. برخی از روزنامه‌های تهران با اشاره به نامه باقی مانده از محسن خداوردی خواستار انتشار آن شدند. تاجانیکه یزدی رئیس قوه قضائیه ناگزیر از واکنش شد. در اطلاعیه‌ای که از سوی قوه قضائیه انتشار یافته آمده است: "اخیراً گزارشی دال بر ارتکاب جرایم مالی و اخلاقی دادستان انقلاب اسلامی گیلان به مسئولان ذیربط رسیده بود و متعاقب آن هیئت از تهران مأمور تحقیق در مورد جرایم وی شده بود. در این رابطه تحقیقات لازم صورت گرفته و مدارک مربوطه جمع آوری و به کمیسیون کارشناسی محکمه عالی انتظامی سپرده شده است.

اطلاعیه قوه قضائیه دلیل خودکشی محسن خداوردی را "قرار از محاکمه و نتایج حاصل از آن" اعلام کرده اما به نامه مفصل باقی مانده از نامبرده هیچ اشاره‌ای نشده است. علاوه بر این، بنا به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی خبر خودکشی محسن خداوردی از طرف مقامات حکومت سانسور شده بود. این عوامل به شایعاتی دامن زده است که اکنون در میان مردم و در محافل از حکومت درباره علت خودکشی دادستان انقلاب اسلامی رشت وجود دارد و حاکی از آن است که وی بدلیل اطلاعاتی که از فساد مقامات رژیم بویژه مقامات قضایی داشته و فشارهایی که برای مسکوت گذاشتن آن به وی وارد شده، دست به خودکشی زده است.

## اولین بیمار پیوند قلبی ایران در گذشت

محمود حق پرست نوجوان ۱۷ ساله ایرانی که هشت ماه پیش مورد عمل پیوند قلب قرار گرفته بود، در اثر وقفه ناگهانی تنفسی درگذشت. علت فوت عدم تأمین داروهای ویژه قلب پیوندی اعلام شد. وی در هشت ماه گذشته از سلامتی نسبی برخوردار بود و دوره نقاهت را بخوبی گذرانده بود.

# آسیب شناسی ادبیات جهان سوم



شخصی را بجای مصالح جمعی می نشانند.

در جوامعی همچون جامعه ما که از رشد و تکامل موزون و بسامان برخوردار نبوده اند، هنر و فرهنگ نیز با دشواریها و معضلات بسیار رگه نفس گیری باید دست و پنجه نرم کند. نویسنده و هنرمند در چنین جامعه ای باید پیوسته در شرایط نبود اطلاعات و امکانات، فشارهای چند سویه ارگانهای قدرت، سطح بالای بیسوادی و رابطه ای گسسته و شکننده با مخاطبان، دست به آفرینش بزند. سایه سنگین سنت ها و تابوهای اجتماعی عدم ثبات اقتصادی و مخدوش بودن جایگاه و منزلت هنرمند نیز از دیگر دشواریهای موجود بر سر راه آفرینندگان هنر و فرهنگ در جوامع یاد شده می باشد. جواد مجابی، نویسنده و روزنامه نگار صاحب نام کشورمان در سخنرانی خود در سمپوزیوم ایران شناسی در سوئد مختصر آدوارها و مشکلات هنرمندان و نویسندگان ایران یاد غالب کلی آسیب شناسی ادبیات جهان سوم و ناموده و تشریح کرده است. متن این سخنرانی در شماره سوم ماهنامه تکاپو به چاپ رسیده که ما عین آن را از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم.

وضعیت هنرمند و اندیشمند جهان سوم، که در این پاره از جهان و اما مانده میزید اما به واسطه اندکی تحمیلی آن تن نمی دهد، یک وضعیت طنز آمیز است.

نبایستی چنین باشی که هستی، اما به ناچار اینگونه هستی و بدان معترضی. یک موقعیت نابجا و ناهمزمان با دنیا. طیف کشورهای در زیر خط خنثای مدنیت قرار دارند در عین اعتراض به فروبوی عدالتی دامنگیرشان این حس شوم را دارند که هر روز پیش از پیش از حوزه ارتباط با توسعه جهانی خارج می شوند.

این فاصله گیری فزاینده، مایه اضطراب انسانهایی است که در دو سوی این مدار نامرتبط فاجعه گسستگی را در جان حس میکنند اما آن را چاره ای به سزای نمی یابند. این گسستگی درد وید بومی و جهانی شایسته تامل است.

در شرایط بوم، رابطه هنرمند و اندیشمند با متن جامعه مخدوش شده است چنان که تولید فرهنگی آفرینندگان، بی آنکه مخاطبان واقعیش را بیاید در حلقه عدم ارتباط، معلق می ماند و این تعلیق ناهنجاری می یابد. بررسی آسیب شناسانه این موقعیت ناهنجار غالباً با داور آفرینی همراه بوده است:

۱- آسائسور ناشی از اقتدار، مانع ارتباط اندیشمندان و هنرمندان یک جامعه با مخاطبان آنها بوده است؟

۲- بخش برنامه ریزی شده آگاهیها، اطلاعات و ارتباطات بومی و جهانی بگونه ای خاص و هدایت شده برای جهت دادن به افکار عمومی؟

۳- تابوهای جامعه روشنفکری چپ و راست که هنرمندان را بر سر حوزة های خاصی بر حذر میدارد.

۴- سلطه قاهر افکار عمومی که با سنتهای نیرومند عادات، آداب و آموزش و پرورش سنتی مرزهای روا و ناروا ترسیم میکند.

۵- توتام های ملی- میهنی، اعتقادی، قبیله ای، آن محرمان ویژه ای که به حیرت آن نمیخوان نزدیک شد یا در آن چون و چرا کرد.

۶- عنانهای ناخوشی از خود که بر بینه یا خود بزرگ بینی ملل استعمار زده که حد و جای خود را در جهان به جانمی آورند.

۷- خود سانسوری فرمیختگان و مراتب سازشکاری اهل عمل که غالباً مرعوبند و مجذوب.

۸- عدم ارتباط ارگانیک قشرها و طبقات در یک جامعه که غالباً نفع

کوچک اقتصادی، در مجتمع های سیاسی، در جنبه اقتدارهای کشوری و منطقه ای و در حوزه ارتباطات جهانی نفس می زنیم.

این ارتباطات بر ذهنیت ما تاثیر می نهد و ادبیات مدنی معاصر را پدید می آورد. ادبیات مدنی در فضای سیاسی شهر و فرهنگ معاصر جهان اتفاق می افتد که هر شهر و هر روزی هر جای جهان را مخاطب خود می شمارد.

البته ذهنیت روستایی را نباید با ادبیات روستایی یکسان گرفت، ذهنیت شهری می تواند ازل و دهکده "ماکدوندو" عکس یک قاره را بیرون دهد، چرا که با معیارهای یک شهر نشین امروزی به وقایع و روابط بشری می نگرد و بسا نویسندگان که به شهرها و مسائل آن از دیدگاه یک روستایی تنگ نظر می نگردند در دوره ای که روستا بیان هم از این محدودیتها برگزیده اند.

فکر میکنم تا حدی به ناهنجاریهای محیط جهان سوم اشاره کرده باشم. اما در این موقعیت تراژیک، هنرمندان و روشنفکرانی پایمردی میکنند که در متن تپشهای روزانه مردم خود، در فضای پرازدگی و مسکن، جان نواور خود را چون شعله ای در شب ظلمانی تاریخ بر سر دست کرده اند. اینان همانقدر به مردم خود تعلق دارند که به جهان، همانقدر به امروز تعلق دارند که به تاریخ. هیچ مانعی حتی مرگ معصومان آنها را از اندیشیدن و آفریدن عصیانیش باز نمی دارد.

اینان نمایانگر وضعیتی به ظاهر خاموش اما طغیانی در بطن جامعه اند.

این آفرینندگان ترکیبی از پروانه و موش حفارند. جوانان موش حفار در فرهنگ زاد بوم خود نقیبه می زنند، نقیبه به متون فرهنگ تاریخ و جوهر سنت، نقیبه به روزگار مردم خویش در میدانهای فراخ علوم انسانی و شرایط سیاسی و اقتصادی منطقه، و فراتر رفتن از وضعیت کنونی به چشم انداز آینده ای که سزاوار یک ملت است. اما این کافی نیست.

موش حفار در جان خود پروانه ای پرورده است که بر فراز فرهنگها، تمدنهای دور و نزدیک پرواز دارد، زمان و زمانه را می شناسد، جهان را چون دل خود و وطن خود میداند، از تپش نبض بشریت هردم آگاه است. در پروازی خستگی ناپذیر بر فراز جهان شهر امروز، او با انسان هر کجا که از نادانی و ناداری می نالد پیوند دارد، از نبود آزادی پریشان خاطر است، از بی عدالتی به ستوه آمده است، به جستجوی توسعه، ترقی و رفاه نوع بشر با هر آنچه وضعیت بشری را گامی جلوتر می برد همدلی دارد.

موش پروانه از اینجا و اکنون به هر کجا و تاریخ آینده می نگرد، انسان او بی مرز، زاد بوم او جهان، عرصه تامل او تاریخ زنده ای از رنجها و شادبهای بشری است. در اقلیم زیر خط خنثای مدنیت معاصر، اما چنین انسانی را نمی بینند، تاب نمی آورند، یا غمی می بینند، طردش میکنند، اگر او در طرح اعتقادات دیگر گوش، ساخت خانواده، جامعه، دولت، ایدئولوژی را در ساختن دیگر معنا کند نه آنگونه که پیش از او سنت و آیین و در عصر او اقتدار حاکم معنا می کرده است لا جرم سر سبز در گروزبان سرخ نهاده باشد.

اکنون از چشم انداز کلی ادبیات به نوشته های طنز آمیز، به عنوان جزئی از این کارکرد خلاق ادبی می پردازم، چگونه طنز پرداز خلق اثرش را پیش می برد. کار نویسنده

رویا رویی یا واقعیت اکنون است، سکوی پرتابی برای رسیدن به سحابی حقیقت. گاه به صراحت، زمانی به اشاره و تمثیل وقتی به طنز و هزل.

اما واقعیت اکنون متولیان دارد که مانع افشای حقایق و روابط آن می شوند، اما منتظر تاریخ نمی توان ماند. طنز سیاه واکنش طبیعی هنرمندی است که به روند مسخ شدگی آگاه و بدان معترض است. حاصل آن طغیان علیه وضع خود، و موقعیتی جعلی است که بر آمون را فرا گرفته است.

انسان طغیانگر به آنچه بر او تحمیل شده، گردن نمیهد، آدمی و عالمی دیگر و فراتر را میجوید. برای در انداختن طرحی نو در ساختهای سرسوم و ارزشهای رایج تردید می کند. با اعتراض به قایها و قالبهای کهن و جستجوی ارزشهای شایسته انسان معاصر، بر آن است تا صاحب عصر خود شود.

اوبه زندگی روزانه، به مردم، به جامعه، به دنیا خیره شده است. هر چه را از صافی ذهن خود عبور میدهد و دنیا را به یاری تفکر و تخیل به شکل خود می آراید. اینک انسانی که در تنیای رادر خود دارد و دنیا به هیشی انسانی از خود سخن می گوید.

او نقابهای ترس، عادت، سفاهت و ستم را از چهره مغلوبان، فریب خوردگان، ستمگران، آحاد خرد و کلان بر میدارد تا آدمی چهره واقعیش را در آینه روزگار ببیند. با پاره کردن نقابها آرامش دیگران را که به زندگی عادت شده، شوگر شده اند بهم میزند. مایه دلهره و اضطراب ساده اندیشان می شود.

در اینجا کارکرد هنرمند شبیه یک دانشمند و مانند یک انقلابی است. آنها هر یک به شیوه خود در پی تصویر، شناخت و تغییر جهان هستند. طرح پرسشهای گوناگون و از هر پاسخی به سئوال دیگر رفتن و هیچ پاسخی را یقین مطلق ندانستن سازو کار انقلاب ذهنی هویا است که از طنز شکاک با برحم روشنائی میابد. دانائی تردید آفرینی که امروز در پیروزانکار میکنند و فردا فاصله میگیری از خودت، اثرت، جامعه ات به قصد شناخت و ارتباط بیشتر و بهتر. کار ما گفتگوی هنرمندان است با خود، با دیگری، با تاریخ، عبور از خود مستلزم درک حضور دیگری است و بیرون شدن از دایره بسته ای که شاید همه در مسدود کردن آن سهمی داشته ایم. کار ما حل شدن در ذهن پویای جهان است، چرا که ما فرزندان عصر خود

در این منظومه بی مرزیم. آفریدن، بی آنکه خواستار گسترش آزادی، حقیقت، عدالت، توسعه و غلبه بر ترس و فقر و جهل و استبداد در سراسر گیتی باشیم معنایی ندارد.

حق نداریم از واقعیت اکنون چشم ببوشیم. با روی گرداندن از این چشم انداز خوف و خطر، بسیار کسان آسان پسندانه دنیا و روابطش را تا حد عرفان باقی تسلیم شعار، سر نهادن به قالبهای نیاکانی، سیاست بافی مسلحانه یا سازش پذیری، نخد پرویوچگری یا آثار شیشم کور تقلیل داده اند. باید بهذیریم که بازگشت به گذشته میسر نیست و پریدن به آینده فقط با عبور از ورطه اکنون میسر است. کار ما شناختن اکنون، تردید در ادبیت آن و عبور آگاهانه از آن است و این روند سازو کار طغیان نویسنده را آشکار می کند.

هنرمند طغیانگر، یاغی می شود به عادت هر روزی که آدمی را از سر کاهلی و راهبرد غریزه با رفتاری مکرر و بی تغییر، به عالم و آدم آن گونه می پردازد که هر روزش سایه دیروز است و هر شیش تصویر منجمد شب پیشین، یاغی می شود به آداب و

## نام صمد جاری هر رودخانه

۹ شهریور بیست و پنجمین سالگرد درگذشت رفیق صمد بهرنگی است. رفیق بهرنگی در طی این سالها هر چه بیشتر به مظهر شیرافت، خلوص نیت و از خود گذشتگی آموزگاران میهن مابدل شده است.

تلاش رفیق صمد بهرنگی برای ارائه الگویی نوازیک آموزگار، آموزگاری که یاد نام او هر راه با فلک وترکه و نظایر آنها نباشد مشرواقع شد. پس از او بسیاری کوشیدند که با درجای پایش گذارند.

رفیق بهرنگی در ارائه سیمای دیگسر از ادبیات کودکان، کوششهای موفقی کرد. در این زمینه آثار ارزشمند چندین از وی به یادگار مانده است. او همچنین پیرامون ادبیات آذری، زبان مادریش، تلاش ورزید.

از جمله کسانی که قادر به تلفیق موثر کار سیاسی و فرهنگی شده اند، میتوان به رفیق بهرنگی اشاره کرد. وی علیرغم خدمات فرهنگی خود، در ارتباط با تربیت دوندل سیاسی نقش بسزائی ایفا کرد.

گرچه رفیق صمد بهرنگی تا هنگام اعلام رسمی موجودیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سال ۴۹ زنده نماند، اما سرشناسترین چهره در هشتاد و یک ساله سازمان در تبریز بود. بسیاری از رفیقان همدوره وی در زندانهای شاهنشاهی در زیر شکنجه ها و یادار مقابل جوخه های اعدام جان بر سر پیمان نهادند.

بسیاری از کودکان آن زمان، شاگردان رفیق صمد بهرنگی پای در راه گذاشتند و ماهی سیاه وی را در دریای بیکران همراهی کردند. آنها در پاره کردن تورشاهی استبداد پاران آموزگاران را یاری دادند.

یاد رفیق بهرنگی، آموزگار شریف و مبارز شداستبداد برای همیشه در قلب های ما و یاد مردم ایران زنده و گرامی است.

رسم هائی که مردگان و سلطه گران تاریخی پدید آورنده آن بوده اند. دامجاله ای برای سقوط در اعماق سکوت و تسلیم و بهره کشی و سفاهت و ستم که روی آن ربه پوشاک تنبلی و آزارت یار به بند آورده است. یاغی می شود به قانونی که انسان مترقی و عدالتخواه از آن غایب است و به مصلحت ستمگران و بهره کشان بومی و جهانی تدوین شده است.

این طغیانگر نه جنگیاباره است، نه توطئه گر، نه سیاست باز، نه اهل هپروت و خرافه.

این یاغی انسان خجسته رندی است که در این محنت سرا هنر دیدن، و نشاط خندیدن را نیک آموخته است و از آن پس شور آفریدن را، هنگامی که سلطه جویان سفیر و کبیر در پهنه بی انتهای دروغها، بهره کشیها، آدم سوزیها، نسل کشیها به گسترش آداب جعلی و سمن مرده و هنجارهای ضد مردم می پردازند، ناگهان کسی در روستا به اوضاع پوزخند میزند، در شهر کسی از آن وضعیت بی اختیار به خنده می افتد در کشور نیشخندهای پراکنده ای گزارش می شود، طعم زهر خنده هایی در قاره حس می شود و

ادامه در صفحه ۷

# آن روزها چگونه گذشت...



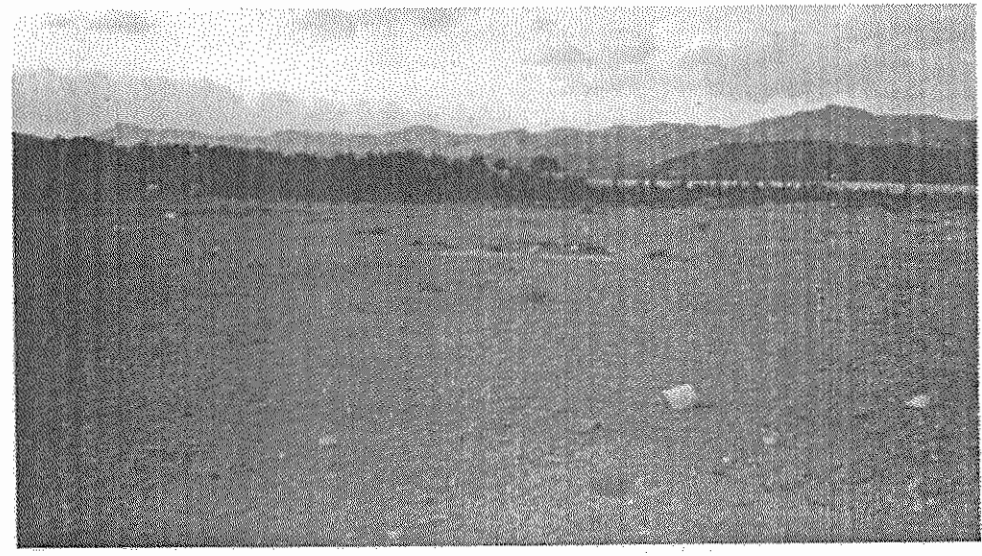
یکی از آن گروه به جیره روزانه شلاق بودیم. هر روز بعد از اذان، شلاق میخوردیم. ۵ بار در روز. یکی از بچه‌هایی که با ما برای شلاق خوردن میامد، سهیلا درویش کهن بود. از رفقای سازمان خودمان: فداییان اکثریت. روز اول از او پرسیده بودند: سازمانت را قبول داری؟ جمله قبول دارم

## به یادنامه‌هایی که جاودانه‌اند

۷ مرداد ۱۳۶۷، نخستین دسته زندانیان سیاسی را به پای چوبه‌های دار بردند. فاجعه ملی و کشتار جمعی زندانیان سیاسی از آن زمان آغاز شد، در شهریور ماه به اوج خود رسید. در مهر تا آذر ماه یافت و سرانجام آخرین قربانیان را در زمستان ۶۷ به جوخه‌های مرگ سپردند. در این جنایت بیسابقه چند هزار زندانی سیاسی جان باختند. از همه سازمانها، گروه‌ها و احزاب با هدفتها و آرمان‌های مختلف. همه آنها نامهای فراموش نشدنی در پیکار خونبار مردم ما علیه استبداد دینی هستند.

## رژیم می‌خواهد در خاوران "بنای فرهنگی" ایجاد کند

از اخبار پراکنده لابلای مطبوعات و گزارشات خارجی چنین بر میآید که رژیم جمهوری اسلامی قصد انهدام کامل گورستان "خاوران" را دارد. "خاوران" آرامگاه شهدای جنبش چپ است که توسط رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند. قربانیان فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ نیز در این مکان به خاک سپرده شده‌اند. حکومت اسلامی تاکنون چندین بار محل دفن شهدا را با بولد و زور ویران کرده و به خانواده‌های قربانیان جنایات خود اجازه نداده است که بنای یادبودی بر سر مزار عزیزان خود برپا کنند. بسیاری از قبرها فاقد هرگونه نشانه‌ای هستند و حتی سنگ قبر نیز بر روی آنها نصب نشده است. اخیراً سخنگوی وزارت خارجه در پاسخ به اعتراض محافل خارجی، به ویرانی گورستان بهائیان و "گورستانهای متروک مسلمانان" اعتراف کرد. گورستان بهائیان رویروی گورستان اعدام شدگان جنبش چپ قرار دارد و اشاره سخنگوی وزارت خارجه به "گورستان متروک مسلمانان" مکان فوق است.



خاوران. آرامگاه یخاک خفته‌گان به شماری که توسط جمهوری اسلامی به شهادت رسیده‌اند. تکه خاکی بی‌نشانه و علامت. بولد و زرها بارها آنرا در نور دیده‌اند، صافش کرده‌اند تا هیچ نشانه‌ای برجای نماند. خاوران، بی‌هیچ نشانه‌ای نیز سمبل و یادگار با یاداریهای به شمار است. اگر امروز این چنین غریب و سوخته است، فردا سمبل‌های سپاس و احترام آنرا از بین خواهند بست. خاوران را نمی‌توان از میان برد.

فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ از یکسو قساوت و بیرحمی جلادان حکومت اسلامی را به نمایش نهاد و از سوی دیگر ایستادگی و دل‌آوری زندانیان سیاسی را. جنایت و حماسه در آن روزهای خونین بار دیگر در مصاف هم قرار گرفتند. ما وظیفه خود میدانیم که نگذاریم نه آن جنایات و نه آن حماسه‌ها به فراموشی سپرده شود. گزارشی که در زیر میخوانیم از آن روزهای دردناک سخن گفته است.

بعد از آن سالهای وحشتناک اوایل دهه ۶۰ روحیه مقاومت و ایستادگی دوباره اوج گرفته بود، زندان باردیگر بعنوان سمبل مقاومت کمر راست میکرد. این مقاومت و ایستادگی ذره ذره و با فداکاری و پایداری زنان و مردانی ساخته میشد که با اراده‌های پولادین از شرافت خود، مبارزه خود و اهداف خود علیه دژ خیمان پاسداری میکردند و در میان این زنان و مردان، برخی‌ها به راستی به سمبل و مظهر مقاومت تبدیل میشدند. نتیجه آن بود که ناراضی‌تبی و مبارزه جویب در زندانها رشد پیدا کرد. چند اعتصاب در زندانهای مختلف بر سرخواستهای صنفی و رفاهی، بیانگر روحیه مقاومت و پایداری زندانیان بود. از اواسط سال ۶۶ اوضاع برگشت. نه اینکه زندانیان پاپس کشیده باشند. آنان همانهایی بودند که هر روز در گوشه‌های تاریک و خلوت زندانها در مصاف با شکنجه‌گران حماسه‌ها آفریدند. رفتار زندانبانان عوض شد. فشارها بطور وحشتناکی افزایش یافت. همه فهمیدیم که چیزهایی تغییر کرده است.

افزایش فشارهای روانی و جسمی چنان بود که در مدت کوتاهی در بند ما ۳ نفر دست به خودکشی زدند. یکی از آنها پروین گلی آبکناری بود. ماه آذر بود. اعلام کرده بودند که در حسیبیه اصلی که زندانیان را برای اعتراف و نمایش میبردند، میزگردی از مسئولین گروه‌ها برگزار خواهد شد و همه باید برای تماشا بیایند. از بند ما فقط ۳ نفر رفتند. در بندهای دیگر هم همین وضع بود. مسئولین زندان مجبور شدند آن چیزهایی را که دوست داشتند ما بشنویم از راه یوتوی بندها بخش کنند. از توی بلند گواسم کسی را آوردند که گویا از رهبران یکی از گروه‌ها بوده است. گفتند او که اینهمه در و صفش بعنوان قهرمان سخن گفته شده، افراد را سرقرار میآورده و لو میداده است. اسم عنوان شده را نمی‌شناختم، اما فهمیدیم که همسر پروین گلی آبکناری بوده است. پروین هم بند ما بود و همه روی او خیلی حساب میکردند. آن روزها ۱۸ بسته داروی نظافت را یکجا خورد. اعتراض به دروغ‌گویی و بیشرمی که در مورد همسرش روا شده بود او را زیر شکنجه به شهادت رسانده بودند و اینک اینطور شرافتنش را لکه دار میکردند.

ساعت حدود ۲ شب بود که حال پروین بهم خورد و ما فهمیدیم چه بر سر خود آورده. به سوی دربند هجوم بردیم که پروین خودکشی کرده است. آمدند و پروین را به بهداری بردند. همه چنان خونرسد بودند که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است. ما دیگر پروین گلی آبکناری را که از فعالین راه کارگر بود ندیدیم اما بعدها شنیدیم که او را شب در بهداری زندان نگاه داشته بودند. بی‌مراقبت. ۱۸ بسته داروی نظافت و حشمتناک بود. پروین با معده سوراخ، سوراخ درد کشیده، تحلیل رفته و همان شب در گذشته بود. جنازه‌اش را به پدر و مادرش تحویل دادند که: خودکشی کرده! نفر بعدی، بعد از پروین، دختری بود به اسم مهین، سالهای ۶۰ و ۶۱ زندان را دیده بود. شدت گرفتن دوباره فشارها او را به کابوس آن سالها فرو برده بود. همه‌اش از شکنجه‌های وحشیانه حاج آقای رحمانی در زندان قزل حصار میگفت. میگفت: دوباره میخواهند آن سالها را تکرار کنند. دنبال وسیله‌ای میگشت که خودکشی کند. ما فهمیده بودیم و چهارچشمی مواظب او بودیم. تا ۳ یا ۴ بار او را در شرایطی که قصد خودکشی داشت، نجات دادیم. برای او کشیک گذاشته بودیم. به مسئولین بند فشار میاوردیم که او را برای معالجه به بیمارستان بفرستند. یک روز آمدند و او را بردند. کجا؟ سلول انفرادی. مهین در آنجا خودش را کشت و بعدها ساک او را به خانواده‌اش تحویل دادند.

نفر سوم زنی بود به اسم رفعت. مجاهد بود. تعداد زیادی از افراد خانواده‌اش را اعدام کرده بودند. به علت فشارهای شدید، تعادل روانی خود را از دست داده بود. اواسط ۶۶ او را به دیدن جسد پسرش بردند. برادری که با او آخرین بازمانده‌گان خانواده بود. رفعت برگشت، بدون سروصدا و با خوردن داروی نظافت خودش را کشت. افزایش خودکشی‌ها نشانه افزایش فشارها بود. اما این تازه آغاز فاجعه بود. برنامه کشتار همگانی را از قبیل ریخته بودند. همه چیز آماده بود. می‌دانستند چه کسانی را به شکنجه‌های دراز مدت محکوم خواهند ساخت. در آستانه افتتاح مجلس سوم، روز چهارم خرداد انوشیروان لطفی از رهبران سازمان ما و زندانی سیاسی مشهور دوران پهلوی را همراه با ۳ مبارز دیگر اعدام کردند و خبر این اعدام را در روزنامه‌ها نیز اعلام کردند. هشدار به همه! ابتدا به سراغ مجاهدین رفتند. به بعضی‌ها قبل از اعدام چند روز مرخصی هم دادند. منیره رجوی خواهر مسعود رجوی - که شوهرش در سال ۶۵ اعدام شده بود را برای دیدن ۲ فرزندش به مرخصی فرستادند. بچه‌ها را دید، برگشت و همزمان با جریان مرصاد یا فروغ جاویدان مبارزین اعدام شد. آنان که به حوادث آن زمان دقیق می‌شوم احساس میکنم انگار رژیم از برنامه مرصاد آگاه بود، همه چیز را برای آن روز آماده میکرد و منتظر چنین بهانه‌ای بود تا ماشین کشتار خود را بکار اندازد.

ملاقاتها قطع شد. هیئت ۳ نفره آمد. سؤال و جواب کوتاه بود و سپس صدور حکم: اعدام یا شلاق. هر روز توی بند ما چند بار مراسم دردناک و داغ تکرار میشد. داغ با کسانی که میرفتند و تو میدانستی که دیگر هرگز آنها را نخواهی دید. و ما که مانده بودیم

# آقای رفسنجانی؛ تصمیم بگیر!

فرخ نگهدار

**آقای رفسنجانی در موقعیتی قرار گرفته است که باید تصمیم بگیرد بین مسئولیت اداره کشور و مسئولیت حفظ حاکمیت روحانیت یکی را انتخاب کند. زمان، عرصه را بر مانورهای او تنگ تر و تنگ ترمی کند**

آمرانه و پرمعنا از ترکیب کابینه بیرون کشید و ببینید آقای رئیس جمهور در قبال قضا یا چگونه واکنش نشان داد:

باید اظهار تشکر بکنیم از شیوه‌ای که در تعیین دولت جدید پیش آمد و سرعت و ازبانی کاری که در مجلس گذشت. من به عنوان مسئول دولت صمیمانه از مجلس و از نمایندگان تشکر می‌کنم. بسیار خوب برخورد کردند... یک وزیر را از دست دادیم که به نظر من طبیعی بود. برنامه ریزی قبلی وجود نداشت. چون در مجلس کسی علیه او صحبت نکرد...

با اینکه مردم ما ۱۵ سال گذشته را مدام با این نوع مانورها و

رفسنجانی از اینکه نوری بخش‌ها را در سکوت بر میدارند ابراز آرامش می‌کند. سکوتی که برای نوری بخش‌های دولت و نیز برای همه مردم هزار بار خطرناکتر و درد آورتر از هزار انتقاد و استدلال مخالف است. این شیوه همه مستبدین و مرتجعین است. این فرهنگ و منش همه آنهاست که وقتی قدرت را در دست دارند در خفا تصمیم بگیرند و درباره علت این تصمیم‌ها به مردم حتی به هواداران خود نیز هیچ نگویند. آنها که "توضیح" نمی‌دهند نزد ما "مافیائی" عمل میکنند و هیئات که رئیس جمهور کشور، حتی در قبال دوستان خود نیز این شیوه مجلسیان را مرضیه می‌بیند و می‌ستاید.

آقای رئیس جمهور برای باز هم مردم نگاه داشتن و نگاه داشتن کاردهانی که در دستگاه دولت در سالهای اخیر او را تکیه گاه و نقطه امید خود یافته‌اند فرصت زیادی ندارد. او از مراجعه به مدیران و مسئولان دستگاه دولتی که خود ساخته است، از اعتماد و تکیه بر آنها، از تشکل آنها، از طرف مشورت، قرار گرفتن، از صاحب نظر شدن،

حتی از مطلع شدن آنها از حقایق نیز بی‌بناک است. او بیم دارد که این کارها علیه حاکمیت مطلقه روحانیت که او خرد پاره‌ای از آن است سمت گیرد و یا حتی تلقی شود. اما اگر او بخواهد با درایت باشد، خوب می‌بیند که زمان بسود تقویت حمایت مسئولان و مدیران از او نمی‌گردد. اگر او دورنگر باشد باید این را نیز دریابد که بدون اینان هیچ دستگاه حاکمه‌ای هیچ نتواند کرد جز روبه پایان بردن دوران سلطه خویش.

زمان، نه تنها او، که همه مسئولان را، به انتخابی قطعی و آنهم نه در آینده‌ای دور فرا میخواند: آنها باید در سستی که مسئولیت حفظ حاکمیت (ولایت فقیه) را در مقابل مسئولیت اداره کشور قرار می‌دهند یکی را انتخاب کنند و رفسنجانی نیز نمی‌تواند هم مسئول اداره کشور باشد و هم مطیع مطامع روحانیت و شرکاء. زمان او را نیز ناگزیر به انتخابی قطعی خواهد کرد.

تتها دوره پیش روی کشور مانده است: یا در سستیز میان دولت و ولایت باید دولت بروایت دست کم تقدم یابد و یا کشور در گیر توفان وطنیانی بی‌امان گردد که بهمن و آفر میرسد که طومار همه چیز و از جمله این سستیز را در هم پیچد.

کار مخالفان، در همه جا، البته این نیست که در ارزیابی از نقاط قوت وضعف کارنامه حریف نقاط قوت را بر شمارند. حریفان خود بهتر از هر کسی اینکار را می‌کنند. هنر و کار مخالفان این است که جهات منفی را ببیند و برجسته کند، مشروط به آنکه داوری را به اغراض شخصی و گروهی نیالایند و آن را تحت تأثیر رفتارها و گفتارهای حریف درباره خود قرار ندهند و حتی از آنهم فراتر نروند و بتوانند مصالح طرف مقابل را نیز در نظر آورند. و تفاوت با حزب‌الهیان از جمله در اینجاست که ما می‌کوشیم و افتخار می‌کنیم که می‌کوشیم که در داوری نسبت به عمل آنان به شیوه فوق عمل کنیم و آنها می‌کوشند و افتخار می‌کنند که در داوری نسبت به دیگران تنها منافع و اغراض خود را برجسته کنند و ملاک بزنند.

در هر حال ما بر منش خود می‌ایستیم و می‌گوییم: شخص آقای رفسنجانی با توجه به موقعیتی که داشت در وضعیتی که برای وی و دولت پدید آمده بیشترین تقصیرها را عهده دار است. زیرا:

او در مقابل نیروئی که اکنون از جمله حول سلام است سیاستی در پیش گرفت که هدفش تکیه بر رسالت بود و این ضربه‌ای شد هم بر امکان‌اتش و هم بر حیثیت‌اش. او در برابر رسالت و شرکاء سیاستی در پیش

# سقوط قیمت حقوق بشر

**مقاله "سقوط قیمت حقوق بشر" به قلم ورنر هورنر، سردبیر مجله "باد جنوب" در آرایش ویرنده جایزه روزنامه نگاری به خاطر نشر مقاله "اخبار جهان سوم در سال ۹۲" می‌باشد. این مقاله در آستانه کنفرانس جهانی حقوق بشر که اخیراً در آرایش برگزار شد نوشته شده است. نویسنده می‌کوشد تضاد سیاستهای اقتصادی کشورهای غربی با سیاست دفاع از حقوق بشر را توضیح دهد.**

هم اکنون در زمان قبل از شروع کنفرانس جهانی حقوق بشر کشورهای، دموکرات جهان نروتمند روی موارد نقض حقوق بشر توسط کشورهای توسعه نیافته جنوب انگشت می‌گذازند. نقض خشن حقوق پایه‌ای بشر مثل حق تعیین آزادانه محل زندگی، حق کار، حق امنیت اجتماعی و حق آزاد یهای دموکراتیک در کشورهای فقیر، حقوقی که از نظر ما و عموم بشریت بر سمیت شناخته شده، یکی از علل اصلی مهاجرت در سطح جهان بشمار می‌آید. این مهاجرت‌ها اکنون دیگر آرامش جزیره رفاه را تهدید می‌کنند.

سیاه فقر

حالا دیگر فقط چنین نیست که کشورهای صنعتی تنها با حمایت از رژیم‌های ستمگر و استثمارگر در جنوب، در نقض حقوق بشر مستقیماً شرکت داشته باشند. برایتیک بازار جهان آزاد، نیز گرچه کمتر چشم می‌آید، با مکانیزم‌های فلاکت بار خود موجب عقب ماندگی، فقر اجتماعی، کار اجباری، جنگ‌های مسلحانه و سایر بلاهای اجتماعی می‌شود.

امواج دموکراتیسم در جهان در طول ۸۰ ساله اخیر در بسیاری از کشورهای به سقوط دیکتاتورها انجامید، لیکن حال باید پرسید آیا در شان بشریت است که در نهایت آزادی گرسنگی بکشد؟ در کل جهان حدود ۱/۲ میلیارد انسان در فقر مطلق بسر می‌برند، روزانه حدود ۲۸۰۰۰ کودک بر اثر سوء تغذیه می‌میرند. آیا به جهان آزاد غرب می‌توان باور کرد وقتی که

که بهترین‌ها در خلاق‌ترین‌ها، موفقیت خواهند داشت. البته نقش این نیروها در بازار جهان آنچنان آزاد آزاد هم نیست. بلکه نه فقط وجود قدرت‌های غالب کنسرن‌های چند ملیتی، بلکه سیستم تجارت بین المللی و گمرکی نیز در اقتصاد جهانی به زیان کشورهای جنوب پایه ریزی شده است. در این وضعیت تولید محصولات از زیان‌ات ممنوعه، یعنی مواد افیونی، بعلت قیمت بسیار بالا پیش در بازار جهان، گسترش می‌یابد. بهمین دلیل جای شگفتی نخواهد بود وقتی در چند کشور، سود ناشی از تجارت مواد مخدر از حجم معاملات خارجی سنتی بیشتر باشد.

مطمئناً صحیح نخواهد بود که شرایط غیر مساوی و ناعادلانه مبادله و تجارت را علت منحصر بفرد برای فرو فاقه کشورهای جهان سوم بشمار آوریم. یک سری عوامل دیگر هم رل مهمی را بازی میکنند. مثلاً سیاست مخرب اقتصادی، فساد و رشوه در دستگاه دولتی و رشد جمعیت.

در کشورهای جهان سوم بوضوح مشاهده می‌شود که حتی وقتی تلاش می‌شود یک سیاست اقتصاد مردمی و یک سیاست توزیع عادلانه پیاده شود، مکانیزم‌های بازار آزاد چنین اعمالی را غیر ممکن کرده و یا بشدت بازدارنده عمل خواهند کرد. اینجا دیگر کمکی حمایت مالی مانع توسعه خرابی‌های ناشی از سیاست اقتصاد پیش‌شود.

نقض حقوق بشر در بسیاری از کشورها موجب زیانهای اقتصادی و اجتماعی شده است. این را اخیراً وزیر همکاریهای اقتصادی آلمان، کارل دیتسپر انگر در گفتاری تحت عنوان فقر جهان سوم بیان داشته است. ایشان می‌افزایند ما می‌خواهیم تاثیرات معین روی سیاست کشورهای کمک گیرنده به

## جلال الدین فارسی به پرداخت دیه محکوم شد!

ادامه از صفحه ۳

پرونده او را از حوزه کرج به تهران منتقل کردند و خود وی نیز به قید ضمانت آزاد شد. دادگاه فارسی در خرداد ماه گذشته آغاز بکار کرد و بلافاصله پس از یک جلسه به تعویق افتاد. ادامه بررسی پرونده وی در مرداد ماه گذشته در تالار جنایی کاخ دادگستری تهران پی گرفته شد.

جلال الدین فارسی در جلسات دادگاه قتل محمدرضا رضاخانی را "دفاع از خود" نامید و با استناد به فتاوی خمینی در کتاب "توضیح المسائل" کار خود را مشروع و قانونی دانست. وی در جریان مدافعات خود کوشید خانواده مقتول را هوادار مجاهدین خلق و نامرد ساخته و به درگیری خود با مقتول انگیزه سیاسی بدهد. دادگاه پس از جلسات متعدد، جلال الدین فارسی را به جرم "قتل عمد غیر قابل قصاص" تنها به پرداخت دیه محکوم کرد.

محاكمه جلال الدین فارسی بدلیل وابستگی او به رژیم در میان مردم و مطبوعات با حساسیت دنبال می‌شد و حکم دادگاه ناباور و تعجب بسیاری را برانگیخت زیرا بر اثر شواهد و مدارک موجود تصمیم دیگری انتظار میرفت و از همین رو حکم فوق مورد اعتراض نه تنها خانواده مقتول بلکه بسیاری از علاقمندان به این پرونده و قضات نیز قرار گرفت.

در محاکمه جنایی در مورد

## اتهاماتی نظیر قتل، قاعد تا صالح

ترین نظیر و تشخیص متعلق به دادگاه رسیدگی کننده است. اما مسئله در این است که دادگاه جلال الدین فارسی تا چه میزان در صدور حکم به عدالت وفادار مانده است؟ بدون تردید وابستگی جلال الدین فارسی به حکومت اسلامی، موقعیت او در رژیم و دستهای پشت پرده‌ای که برای نجات او کوشیده‌اند در حکم دادگاه تأثیر داشته است. پرونده وی از ابتدا تا انتها سیر معمولی نداشته و تأثیر دستهای قدرتمندی از پشت پرده در جریان آن آشکار بوده است. در حالیکه طبق قانون آزادی کسی که متهم به قتل عمد است، ممنوع می‌باشد، جلال الدین فارسی که متهم به قتل عمد بود، بدون هیچ دلیلی، مدت کوتاهی پس از دستگیری آزاد شد. انتقال پرونده او از دادگستری کرج به تهران نیز غیر قانونی بوده است. اعلام حکم او نیز چند بار به تأخیر افتاد. برخی از قضات و مطلعین امور قضایی حکم دادگاه در مورد جلال الدین فارسی را بی سابقه ترین حکم در تاریخ قضایی ایران "توصیف کردند. خانواده مقتول و کیل مدافع آنان به حکم صادره دادگاه اعتراض کرده‌اند و پرونده برای رسیدگی مجدد باید به دادگاه عالی برود. اگر دادگاه عالی حکم را تایید نکند، دادگاه کیفری دیگری عهده دار رسیدگی به پرونده خواهد شد.

## آسیب شناسی ادبیات

ادامه از صفحه ۵

موج قهقهه‌های در سراسر عالم نیزه امواج خنده‌ها به هم می‌پیوندند، جریان می‌یابد در هر خانه، در هر طول موج، در گستره کشورها و قاره‌ها، در سراسر این سیاره که اینک خانه کوچک اما ناامان انسان است.

خنده‌ها از لبی به لب دیگر می‌رود، تردیدها از دلی به دل دیگر، فکرها از نوازشی به سرهای دیگر. ابرهای تردید بر خیابانها، کافه‌ها، زندانها، بانکها، سربازخانه‌ها می‌بارد. بازاران خنده‌های پوشیده، بر

اجتماعی، نه یک مسئله اخلاقی و مذهبی، همچون فاجعه اکولوزی که دائماً در کشورهای جنوب ابعاد وسیع تری پیدا می‌کند، هر روز توده‌های وسیع تری را به دره فقر می‌رانند از اینرو مضحکه خواهد بود وقتی که جهان غرب خودش را بی‌گناه معرفی کند و مشکل حقوق بشر را بدوش کشورهای جنوب بیندازد. تضمین این حقوق یک مسئله جهانی است.

درست در زمان نظم نوین جهانی برقراری سیستم‌های عادلانه در روابط اقتصادی و سیاسی جهانی از شرایط حتمی برای پاس داری از حقوق بشر می‌باشد.

مترجم رهرو تریش

تهران، آبان ۷۱  
این خطابه در سمپوزیوم ایران شناسی که به اهتمام نشر باران در استکهلم برپا شده بود ایراد شد.

# گزارشی از جمهوری آذربایجان

جنگ با ارمنستان و بحرانهای داخلی، جمهوری آذربایجان، کشور همسایه ما را در شرایط دشوار و پیچیده ای قرار داده است. مقاله زیر نگاهی است به موقعیت داخلی آذربایجان. نویسنده که پزشک و در عین حال دانشجوی روزنامه نگاری در دانشگاه دولتی باکو است در این مقاله کوشیده است اوضاع داخلی آذربایجان را تصویر کند، که میتواند برای علاقمندان مفید باشد. مقاله دارای پیش بینی ها و نظراتی است که طبعاً استنتاجات شخصی نویسنده می باشد.

در آذربایجان بحران است، بحران اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی فرهنگی، مسئله جنگ آرامنه و اشغال ده درصد از خاک آذربایجان توسط آنها برای بحران دامن زده است و آن را عمیق تر نموده است. بخش عظیمی از نیرو و انرژی سردمداران حکومتی متوجه این تیزترین گره بحرانی است. سران حکومتی آذربایجان در رابطه مستقیم با مشکل جنگ قره باغ سقوط کرده اند. ازباقیروف وزیر و فو، مطلوب، محمداف و آخرین رئیس جمهور ابوالفضل ایل چی بیگ.

کارخانه ها و فابریک ها، گسست رابطه منطقی بین جمهوری های سابق شوروی، بی توجهی و یا کم توجهی به آنچه که سالیان سال است ساخته شده مثل کالخورها و یا ساوخورها، پائین آمدن سطح رفاه عمومی، گرانی، بیکاری، سختی زندگی، کلاف سردرگم جنگ، کشته شدن بخش وسیعی از جوانان خرابی شهرها و دهات مختلف، بودجه ای عظیمی که مصرف جنگ و وسایل جنگی می شود به بی خانمانی و آواره شدن فراوان مردم انجامیده. علاوه بر نیم میلیون نفر فراری از خود ارمنستان مردم دهات اطراف استپانه کرت و شهرهای "شوشا"، "کل بجر"، "لاچین" یعنی قره باغ کوهستانی تا مرکز ولایت "اقدام" آواره شده و در شهرهایی مثل باکو، لنکران، آستارا و گویا سکنا داده شده اند.

بر بستر این سختی ها و سردرگمی ها، تجارت تازه به دوران رسیده در پی قانونی و غارت مردم بنام "کامرتیا" و در حقیقت با دزدی بکه تاز میدان شده اند، دستگاه بوروکراسی حکومتی نیز در رابطه مستقیم با این ثروتمندان تازه بارشده خوار و سربسج ترین لایه های اجتماعی کلاه می گذارند. در لابلای این ظلم و بیاداد، قاچاق، فحشا و اعتیاد نیز هر روز زیاد می شود. موقعیت آذربایجان در منطقه طوری است که با هفت میلیون جمعیت و سرزمینی ثروتمند اهمیت استراتژیک پیدا کرده است و برای کشورهای همسایه چون روسیه و

ایران و ترکیه نقش مهمی دارد. کشا کش تاثیر گذاری نیز توسط این کشورها با تمام قدرت دنبال می شود. آنها در ارتباط با حوادثی که در آذربایجان می گذرد تاثیر مستقیم دارند. روسیه از میراث و حق برادر بزرگی خود دفاع می کند و به این راضی نخواهد شد که آذربایجان را به راحتی از دست بدهد و خود آذربایجان نیز از نظر اقتصادی و فرهنگی با دست و پا به روسیه بسته شده است و به این زودیها این وابستگی های متقابل قطع نخواهد شد. مثلا کارخانه کولر سازی باکو یا کارخانه آلومینم سازی گنجه بدون رفع احتیاجات از دولت های مشترک المنافع و مخصوصا روسیه نمی توانند به کار خود ادامه دهند.

ترکیه نیز با شعار پان ترکیزم و دنیای ترک و برادری و در حقیقت به خاطر منفعتی که در ارتباط با نفت و مواد دیگر آذربایجان و همچنین راه پیدا کردن به آسیای میانه و مرکزی دارد و با استفاده از ضعف آذربایجان در رابطه با جنگ قره باغ برای خودش جا باز کرده است. بی سیاستی و یا کم سیاستی و ضعف حکمرانان آذربایجان نیز در این مسئله مهم بوده است. ایران نیز با شعار جهان اسلام و امت واحد، در یک دست تسبیح و مهر و در دست دیگر قرآن، می کوشد تاثیر خود را در روند کنونی آذربایجان برجای بگذارد. اما فعلاً فقط در دهاتی چون "مشت آقا" و "بوزوتا" و در مساجد و بین حاجی های تازه حج رفته توانسته است عده ای را در خود جمع نماید. ضمن اینکه باید اشاره شود که حکومت ایران با دولت ایل چی بیگ رابطه حسنه ای نداشت. به خاطر اینکه ایل چی بیگ معتقد به آذربایجان واحد بود و حتی گفته بود که من ریشم را در تریز خواهم تراشید. اما نظر عمومی مردم آذربایجان در رابطه با نحوه و طرز زندگی در ایران منفی است، حکومت اسلامی را به هیچ وجه قبول ندارند و حتی از قوانین اسلامی می ترسند و این رابطه مستقیم با رفت و آمد مردم آذربایجان با ایران دارد، به خاطر همین هم ایران با علم سیزمی تواند موفقیتی کسب کند. همسایگان آذربایجان منافع خودشان را از

طریق نیروهای مختلف دنبال می کنند. مثلاً ترکیه و امریکا با تمام قدرت از ایل چی بیگ دفاع می کردند و ایل چی بیگ نیز مقابلاً غلام حرف شنویی بود. شعار ترکیه در آذربایجان این بود که به دور ایل چی بیگ حلقه بزنید. ایران در آذربایجان خواهان حکومتی است که در آذربایجان ایران تحریک نیافریند و حتی حاضر است به خاطر این مسائل امتیازاتی نیز بدهد. زیرا ترس از ترکیه و امریکا و اوضاع درونیش وی را به شدت نگران کرده است. روسیه نیز خواهان حکومتی در آذربایجان است که در چارچوب کشورهای مشترک المنافع بگنجد. در خود آذربایجان گروه های مختلف حتی بیش از ۵۰ گروه مثل قازچ بعد از باران سربیرون آورده اند و به فعالیت مشغولند. هر کدام از این نیروها چند نفر هستند که دور هم جمع شده و حزبی را بنیان گذاشته اند. در بعضی از این احزاب تعداد بنیان گذاران بیشتر از تعداد اعضا است و این خود به دلیل نبود تجربه سیاسی، یک آشوب ذهنی در مردم بوجود آورده و در چشم آنها خاک می باشد. البته چند حزب سیاسی هستند که دارای نیروی بیشتری می باشند. مثلاً حزب آذربایجان نو (ریشه آذربایجان) به رهبری حیدر علی اف تنها در باکو بیش از ۲۰۰ هزار عضو دارد. بیشترین اعضای رهبری آن کمونیست های سابق و کسانی هستند که با رژیم گذشته یعنی با رژیم سوسیالیستی ارتباط داشته اند. امتیاز حزب در این است که روشنفکران، استادان دانشگاه، معلمان آکادمی علوم آذربایجان، دانشگاهیان و بخش وسیعی از کارگران از این حزب دفاع می کنند. اکثریت مردم به دلیل وزن و شخصیت سیاسی حیدر علی اف مدافع این حزب هستند. بعد از این حزب، حزب استقلال ملی به رهبری اعتبار محمدوف است که بیشتر در نبود آلترناتیو مردم طرفدار آن شده اند. خود اعتبار محمدوف جزء رهبران جبهه خلق بود و بیشتر گروه ها و احزاب درست شده غیر از آذربایجان نیز تیز از شکم جبهه خلق بیرون آمده و با از ان اشعاب کرده و راه خود را جدا نموده اند. مثل حزب دمکرات آذربایجان، حزب سوسیال دمکرات آذربایجان، حزب استقلال ملی...

سیاسی جمهوری آذربایجان چنین است. چه باید کرد؟ واقعیت ها را باید آن طور که هستند دید نه آن طور که ما می خواهیم. مشکلات دقیقاً وجود دارند، بحران طاقت فرسا است و این بحران نیز جدا از بحران عمومی حکومت های شوروی سابق نیست. هزاران هزار نفر نمی خواهند به شکل کنونی زندگی کنند و آینده آنها مشخص نیست و فکر می کنند راستی چه خواهد شد؟ وجه چیزی انتظار خود و بچه هایشان را خواهد کشید؟ سؤال مردم این است. چرا هر روز گرانی، ناامنی، جنگ و بیکاری! راستی رفیم چه چیزی است؟ و مکانسیم آن به چه شکلی اجرا خواهد شد؟ وجه کسی باید رفیم را به آخر برساند؟ و به چه قیمتی! آزادی و دمکراسی یعنی چه؟ آیا دمکراسی به معنای آنا ریشیم کنونی و به معنای غارت مردم توسط لایه های تازه به دوران رسیده است؟ آیا آزادی به معنای افت زندگی، هر که هر که، رشوه خواری و به خطر افتادن زندگی مردم است؟ آیا آزادی به معنای این است که مریض از نبود دارو و یا به خاطر گرانی بودن آن از بین برود؟ مردمی که به تحصیل مجانی و اجباری، دانشگاه مجانی، بیمارستان عمومی مجانی و دارو مجانی عادت نموده اند، نمی توانند روزهای کنونی را تحمل کنند. آنها از خود سؤال می کنند که ما که هر روز فقیرتر می شویم، پس کوبهشتی که به ما وعده می دادند؟ رشد صعودی قیمتها چه وقت متوقف خواهد شد؟ مردم از نبودن تامین اجتماعی رنج می برند. مردم آذربایجان همه دارای سواد هستند و قطعاً زودتر مسائل را در خواهند یافت و خواهند فهمید. خود آزادی نیز پدیده ای است حیاتی که رابطه مستقیم با شعور اجتماعی و با میزان فرهنگ عمومی مردم دارد؟ و همین سواد عمومی و سطح آگاهی قطعاً توام با تجربه به مردم کمک خواهد کرد که دوستان و دشمنان خود را زودتر بشناسند. علاوه بر همه اینها دوستی تنگاتنگ بین خلقهای مختلف شوروی و رابطه بسیار نزدیک بین آنها طی هفت دهه و قبل از آن رانمی توان براحتی گسست. بازی سیاسی و قدرت طلبی ما اجرا جویانی چون پلنسن، کرافچوک و شوشکویچ، بانیان دولت های مشترک المنافع، نمی تواند اراده مردم را به دوستی و نزدیکی از هم بشکند. دوستی

تنگاتنگ در سخت ترین شرایط، در شرایط جنگ، گرسنگی، شادی و پیروزی، آفرینش و خلق کردن نمی تواند بنام دمکراسی از هم پاشیده شود. مردم آذربایجان نیز این را با تمام وجود حس می کنند. دمکراتها و ما اجرا جویان کنونی در شوروی سابق می خواهند تاریخ را کورتاز کنند اما موفق نخواهند شد و به خاطر همین است که رهبران قبلی دوباره به صحنه سیاسی باز می گردند، نمونه های آن آرویدوس برانزاوسکس در لیتوانی و حیدر علی اف در آذربایجان است. البته شوروی سابق چون گذشته هرگز زنده نخواهد شد. بلکه به نوع دیگری نمودار خواهد گردید. آذربایجان نمونه ای از سیمای کنونی شوروی سابق است که در آن حیدر علی اف به عنوان رهبر برجسته و عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست شوروی و به عنوان سیاستمداری که نه کار دویاره به عرصه قدرت باز می گردد. چرا ابوالفضل ایل چی بیگ سقوط کرده ده "کلکی" دارد و آباد نخجوان فرار نموده و به چه دلیل دوباره حیدر علی اف که چندین بار در جمهوری خود مختار نخجوان علیه اش توطئه شد دوباره در آذربایجان به قدرت رسید؟ مردمی که قبلاً به دمکراتهای جبهه خلق اعتماد کرده بودند بعد از یکسال به این نتیجه رسیدند که آنها نه تنها برای مشکلات و مسائل مردم جواب قانع کننده ای نیافته اند، بلکه آن چه را که به مدت ۷۰ سال ساخته شده بود نیز تالان نمودند. از یک طرف ثروتهای طبیعی و مواد خام جمهوری توسط همسایه ها و سرمایه داری تجاری و انگل داخلی و خارجی غارت می شود و از طرف دیگر گرانی و بی قانونی و بیکاری جان مردم را به لب رسانده بود. جنگ قره باغ را که ایل چی بیگ قول داده بود در عرض ۳ ماه پایان دهد، نه تنها پایان نیافت بلکه هر روز شکستی برای مردم به ارمغان می آورد. نداشتن مهارت دولت داری و انتخاب سیاست غلط در مورد کالخورها، وضع را به گونه ای زیاد به نابسامانی کشانده بود. فاصله روشنفکران و دانشگاهیان و آگاهان اجتماعی از حکومت هر روز زیاد تر می شد و حرکت به جلویی نمودار رشدی به بن بست می رسید. بی اعتمادی و بریدن اکثریت مردم از حکومت و اعتراضات

اما واقعیت چیز دیگری است، مردم حیدر علی اف را قبول کردند. به خاطر اجتناب هایی که از حیدر دارند، خاطر ها و یادگارهایی که همانا پیشرفت جمهوری آذربایجان بوده است. او را "آق سقال" یعنی ریش سفید و محترم و حتی حیدر با می نامند با وجود ۷۰ سال سن دارای انرژی، هوش فوق العاده و قدرت رهبری و یزه ای است. مردم آذربایجان با امید و آرزو به آینده، حیدر علی اف را پذیرفتند. مشکلات فراوان است، بحران اقتصادی و اجتماعی وجود دارد، جنگ در قره باغ ادامه دارد. غمی در رابطه با گذشته و چشمی به آینده این است وضع مردم، گنگتوبا آنها این زانشان می دهد. مردم و اکثریت مردم به سال های قبل از ۱۹۸۵ باز می گردند و آن روزها را به خاطر می آورند. حیدر و انتخاب او و پذیرش او تادی از گذشته و گذری به آینده است. در شوروی سوسیالیسم نمرده است و باید منتظر حوادث آینده بود، اکنون در آذربایجان به قول ستارخان سردار نامی هر چه حیدر رخان بگوید همان است. صالح درویش

گوناگون قطعاً عکس العمل حکومت را نیز به دنبال داشت که فاجعه گنجه و حمله به صورت حسینوف فرمانده یکی از پادگانهای آذربایجان را پدید آورد. این جریان به هلاکت ۹۶ نفر انسان انجامید. اعتراض به این جنایت توسط مردم و مقاومت صورت حسینوف در مقابل آن به استغای رئیس دولت و رئیس مجلس ملی آذربایجان منجر شد. ابوالفضل ایل چی بیگ مجبور شد دست به دامان کسی که شخصیتی والا داشته و دارای اتوریته در بین مردم باشد، شود و حیدر علی اف عالی ترین کاندید بود. با دعوت حیدر علی اف از نخجوان به باکو، وضعیت حالت دیگری به خود گرفت شخصیت برجسته سیاسی، قدرت مانور، درک لحظه، سواد سیاسی بالا و درایت او، اکثریت نیروهای سیاسی مخالف و از جمله صورت حسینوف را نیز مجبور کرد به دور حیدر حلقه بزنند. در شهرهای مختلف آذربایجان حکومت ابوالفضل ایل چی بیگ متزلزل شد و نیروهای مسلح صورت حسینوف تادم دروازه های باکو رسیدند. حتی پشتیبانی ترکیه و امریکا از ایل چی بیگ نتوانست مؤثر باشد. حالا ابوالفضل ایل چی بیگ در کره دهی نزدیک مرزهای ترکیه میگوید که من رئیس جمهور آذربایجان هستم!

آنها، تعداد افرادی که زندانی شده اند و مدت محکومیت آنها و بالاخره تعداد دقیق اعدام شدگان نشده است. گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی علیرغم همه یکجانبه نگری های آن سندی است گواه بر محکومیت رژیم و حقانیت مردم به جان آمده مشهد. طبق این گزارش مردم برای تحقق خواسته های خود همه طرق قانونی و مسالمت آمیز را طی کردند، اما در همه موارد بی توجهی، کارشکنی و زور گویی مسئولان مواجه شده و سرانجام کار را به اعتراض آشکار و قیام کشانند. این گزارش می بایست همداری به مقامات حکومت باشد که خواسته ها و مبارزات قانونی و مسالمت آمیز مردم را بی پاسخ نگذارند و کار را به درگیری های خونین نکشاند. اما تهیه کنندگان آن به گونه ای دیگر نتیجه گیری کرده اند و آماده کردن بیشتر تئوریهای انتظامی برای سرکوب مردم را مورد تأکید قرار داده اند.

## انتشار گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص در مورد شورش مشهد

بر پایه گزارش فوق بی توجهی شهرداری به خواسته های مردم از عوامل اصلی بروز حادثه بوده است.

ناامید می شوند خود ر شهرداری را آتش می زنند. متعاقباً نیروهای انتظامی خود رو نیم سوخته را از محل حادثه خارج و موقوف می شوند تجمع کنندگان را متفرق و اوضاع را آرام نمایند. با ادامه حضور و آرایش نیروها در میدان مذکور و تعطیلی مدارس و تجمع بیشتر افراد، نیروهای انتظامی برای متفرق کردن تجمع کنندگان با آنان درگیر شده و ابتدا از گاز اشک آور استفاده نموده و متعاقب تیراندازی مأمورین دونفر از مردم به قتل می رسند. در این زمان تجمع کنندگان به شعار دادن علیه شهرداری اقدام می کنند. گزارش گسترش شورش به سطح شهر و تظاهرات بی سابقه مردم در ادامه حادثه فوق را کار عده ای از آراذل و اوباش می نامند. در گزارش مذکور هیچ اشاره ای به تعداد دستگیر شدگان، سرنوشت

می گوید: توافقنامه ای بین طرفین صورت می گیرد و به امضاء حاضرین می رسد. بر اساس این توافقنامه شهردار قول داده بود ظرف ۲ ماه مشکل اهالی را حل کند و مردم نیز متعهد شدند طی این مدت اقدام به ساخت و ساز غیر قانونی نکنند. مدت تعیین شده منقضی می گردد اما اقدام مؤثری از ناحیه شهرداری صورت نمی گیرد و بدنبال آن خریداران اراضی و متقاضیان جواز ساختمان تصمیم به تجمع و راه بردن می گیرند. در روز ۷ خرداد ۱۳۷۱ هم مذاکراتی بین اهالی و شهرداری و نماینده دادستان انجام

۱۴ ماه پس از شورش گسترده مردم در مشهد کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی. گزارش خود از این حادثه را به مجلس تسلیم کرد. این گزارش در جلسه ۱۹ مرداد ۱۳۷۲ مجلس، خوانده شد. گزارش، استناداری، شهرداری، فرمانداری، آتش نشانی، نیروی انتظامی و اداره کل اطلاعات استان را در بر روز این حادثه مقصر شناخته است. از نظر گزارش، قصور ارگانهای فوق، در عدم آمادگی آنان برای مقابله با تظاهرات و شورش مردم و فرونشاندن سریعتر آن بوده است. در گزارش، شهرداری مشهد یکی از عوامل اصلی ایجاد این حادثه معرفی شده است. از جمله دلایل گزارش در این مورد به قرار زیر است: عدم رعایت بخشنامه های وزارت کشور در رابطه با چگونگی برخورد با ساخت و سازهای غیر مجاز، عدم انعکاس تخریب ها به

شورای تامین استان، اقدام به تخریب و مقابله خشن و بدون ضابطه با افراد، برخورد های تبعیض آمیز، عدم نظارت دقیق بر مستقرین اکیب جلوگیری از تخلفات ساختمانی و بالاخره بی توجهی به خواسته های قانونی مردم و انجام تعهدات و وعده ها. گزارش، زمینه های بروز حادثه و شورش را چنین شرح می دهد: ممانعت شهرداری از ساخت و ساز در بلوار طبرسی مشهد ناراضییتی مردم را از سالها پیش برانگیخته بود. افراد ناراضی "مراجعات و مکاتباتی با شهرداری و سایر مسئولین جهت حل مشکل داشته و چون از این اقدامات نتیجه ای نمیگیرند، عده ای حدود یکصد زن و مرد به عنوان شکایت به دفتر امام جمعه محترم مشهد مراجعه و شهردار مشهد نیز به دعوت دفتر امام جمعه، در آن بیت حاضر می شود. گزارش



# سه اندیشه در مشروطه

مقصود فراستخواه - روزنامه سلام ۲۱ مرداد ۷۲

سه اندیشه در مشروطه خواهی عنوان مقاله نسبتاً مبسوطی است با امضای آقای مقصود فراستخواه مندرج در روزنامه سلام درباره گرایشهای فکری در جنبش مشروطه ایران. همان اندازه که بحث نویسنده درباره موضوع یاد شده درخور توجه است، به همان اندازه نیز چاپ چنین مقاله‌ای در روزنامه سلام توجه برانگیز است. چه، نگاه نویسنده به جنبش مشروطه و گرایشهای فکری در آن و ارزیابیهایی که از این طیفهای فکری ارائه می‌دهد، با آنچه که معمول حکومت اسلامی طی ۱۵ سال گذشته بود تفاوت اساسی دارد و این آنچه که مربوط به سلام می‌شود گامی است که این بخش از نیروهای اسلامی در جهت آشتی با تاریخ و سنن ملی و میاژاتی ایرانیان و تجدید ارزیابی نسبت به آن برمی‌دارند. متن کامل مقاله یاد شده را در زیر می‌خوانید:

مشروطیت را بعضی‌ها یک سوغات فرنگی دانستند و یا گفتند: «انقلاب مشروطه... در واقع جنبشی بود نه برای کسب حقوق سیاسی مردم بلکه برای به کرسی نشاندن نظامات ایدئولوژیک غربی و سوق دادن کشور به سوی ورطه فریب‌دهی» و یا مثل مرحوم آل احمد که نوشته است: چون در سال اول قرن بیستم (۱۲۹۱) امتیاز نفت از سوی شاه قاجار، به دربار انگلیسی انگلیسی داده شد و حوزه قرار داده، دامنه‌های جنوب غربی کوههای بختیاری بود پس می‌بایست آن جا را از کرج زمستانه ایل بختیاری خانگی نگه می‌داشتند تا نخستین چاه کنه‌های نفت، به راحتی مشغول کارشان شوند. این است که انگلیسی‌ها جنجال مشروطه را بر پا کردند و سپس اختلافات مخالفان و موافقان راه تا ایل بختیاری برای کمک به مجاهدان تبریز و رشت بر ضد استبداد صغیر راه یافتند و تهران را فتح کنند بله به این طریق، سر ما آنقدر گرم به مشروطه و استبداد است تا جنگ اول بین‌المللی در می‌گیرد. اما کمپانی به نفت رسیده است و دربارداری انگلیس سوخت خود را دارد.

در این دیدگاهها، بنا بر آن بوده که غرب یکسره پلید و توطئه‌گر است و از اجنبی باید ترسید و انتظار سپیده داشت. در این نوع طرز تلقی، وحدت انسانی تمدن مد نظر نیست. غرب یک هویت یکپارچه دارد و افکار و جریان‌ها مختلف موجود در آن، مکاتب و نظامات گوناگونش، دولت‌ها و متفکرانش، علوم و معارف و تجارب و رهیافتهاش؛ همه به یک چوب رانده می‌شود. همچنین در این دیدگاهها پیش از زمینه درونی پدیده‌ها، به علل خارجی و بیرونی توجه می‌شود اما صرفنظر از این نوع داوربها، مشروطه از سرپندهای مهم تاریخ ماست؛ اندیشه توسعه و تحول، از سده ۱۹، در جامعه ما، (به ویژه بر اثر آشنایی با حلقه اخیر تمدن بشری، که بدلالی، این باره از مغرب زمین سر برآورده بود)، فرآیند تکون خود را آغاز کرده و پس از حدود یک قرن، در مشروطه به آستانه نقطه عطفی رسیده بود. اما افسوس که کاستی‌ها و موانع ریشه‌دار و دژوارهای اصلاح و توسعه در دیار ما، نگذاشت و البته به تعبیر ادوارد براون، دولت‌های بدنیت خارجی نیز امان ندادند؟ و سرانجام آن همه آزادیخواهی و مشروطه‌طلبی، در کسرت از دو دهه، سر از خود کامگی شبه مدرنیست رضاشاهی درآورد.

آرایش طیفی افکار در مشروطیت را می‌توان چنین تصور و ترسیم کرد:

- ۱- آزاد اندیشی و آزادیخواهی و اقتباس از غرب
- ۲- نو اندیشی دینی
- ۳- اصول گرای دینی و مشروعه خواهی

طیف اول: آزاداندیشی و آزادیخواهی و اقتباس از غرب

اینان در آغاز سده بیستم میلادی، روی هم رفته، ادامه دهندگان خط و ربط کسانی بودند که از دهه‌های نخستین قرن ۱۹ تا پایان آن قرن، اندیشه‌های جدید را از غرب اقتباس کرده و در ایران انتشار دادند. مثل میرزا صالح، امیرکبیر، آخوندزاده، ملکم، مستشارالدوله، میرزا حسن خان و طالبوف. از نمایندگان برجسته این طیف در صدر مشروطه می‌توان سید حسن تقی‌زاده، میرزا جهانگیرخان شیرازی (صورت اسرافیل)، علی اکبر دهخدا، میرزا حسن خان مشیرالملک، میرزا محمدعلی خان و میرزا ابوالحسن خان فروغی، میرزا محمدخان صدیق حضرت را نام برد. اینها غالباً قلم به دست، اهل تالیف، ترجمه، تحصیلکرده، فرنگ رفته، استاد مدرسه علوم سیاسی و یا دولتمردند. باره‌ای از مؤلفه‌های اندیشه اینان، که نوا از غرب اقتباس شده، بدین قرار است:

- حقوق طبیعی آدمی؛ انسانها صرفنظر از هر اعتقاد و مذهبی که داشته باشند حقوقی برابر دارند مثل حق بیان و قلم و کار و فعالیت و مشارکت اجتماعی آزادانه
- حکومت امری عرفی است که از طریق قرارداد اجتماعی برقرار می‌شود و جامعه با خرد و دانش و تجارب بشری اداره می‌گردد. (سکولاریسم)
- قانونگذاری بشری؛ وضع قوانین متغیر و متناسب به دست نمایندگان منتخب مردم
- دین امری شخصی و گروهی است و قلمسرو سیاست‌گزاریهای عمومی اجتماعی، جدای از آن است.

طیف دوم: نو اندیشی دینی

اینان نیز مثل طیف نخست، پیشاهنگانی در قرن ۱۹ دارند، مانند اسدآبادی، عبیده، رشید رضا، کواکبی، شیخ هادی نجم‌آبادی. از نمایندگان برجسته این طیف در صدر مشروطه می‌توان، علی‌طباطبایی، ملاعبادالرسول کاشانی، سید جمال واعظ را نام برد. طیف اول تاثیرات تحریکی مستقیم یا غیرمستقیم زیادی بر روی اینها داشته است. طیف دوم از سویی به عقل و دانش و تجارب بشری و رهیافتهای جدید غربی احساس نیاز می‌نمود و نمی‌توانست خیلی از

توسعه نیافته، فاقد تکنولوژی و شبکه ارتباطات، بسته و محدود و با آمار کلانی ز بیسوادان و کم سوادان و... وانگهی جامعه ما نیازمند روشنفکرانی بود که جهانی بیندیشند اما محلی و منطقه‌ای عمل کنند، به دیار و علوم غرب سفر کنند اما ریشه در خاک خود داشته باشند، گذشته خویش را به نقد گذارند ولی پیوندشان با آن را قطع نکنند، از غرب خلاقانه بگیرند ولی در برابرش محسور نشوند و خود و هویت خودی را نیازند، حقیقت‌طلبانه به پیشپاز علوم و تجارب نو بروند ولی آن را نقادانه بر رستند و با فرزادگی به محک زنند.

تفاوت تاریخ و جوامع غربی و تاریخ و جامعه آسیایی و شرقی خویش را حالی شوند، بجای این که فقط تقلید الگوهای تمدن جدید را بلد باشند عالمانه از آن توشه و بهره بگیرند. بجای مصرف علم به تولید علم بیندیشند. علم جدید بیاموزند، بپرورند و به کار برند اما نپرسند. با بهای ورزیدگی فکری، شایستگی اخلاقی نیز بیندیزند. مصلحت ملت را بخواهند و به دانش خویش مغرور نشوند. پشت به فرهنگ ملی و مذهبی خویش نکنند و حریم حرمتها را پاس و مرز اعتدال را نگه دارند. از واقعیتهای تاریخ خود طفره نزنند، دولت‌های غربی را با فرهنگشانها پیش عرضی نگیرند و بر سر راه تمدن، از کسب استعمار غفلت نکنند.

تأملی در طیف سوم

درباره کار اینان با همه ارج و منزلتی که داشت، باید گفت نواندیشی دینی نیازمند نظریه‌پردازی و ژرفنگری‌های افزونتری بود؛ چیزی بیشتر از خانه تکانی و نقش و نگار ایوان، چیزی بیشتر از شب‌رویی و جلاژدن و تکرار، مقوله‌های گذشته با زبان جدید، چیزی بیشتر از انتخاب متفرقه برخی آیات و احادیث و مقوله‌های موجود در فرهنگ دینی و به دست دادن تعبیر و تامل عصری و ترفیخواهانه از آن، چیزی بیشتر از تطبیق شورا با پارلمان، اجماع با اکثریت و بیعت با قرارداد اجتماعی و...

نواندیشی دینی احتیاج به بازاندیشی دینی داشت و محتاج معرفت شناسی و فلسفه دین بود و می‌بایست به پرسشهایی چون (دین چیست؟ چه جایی در انسان و زندگی جامعه دارد؟ آیا امری شخصی و گروهی است یا همگانی؟ رابطه‌اش با عقل و علم و سیاست‌گرایی عمومی و اجتماعی چگونه است؟ معرفت دینی مردمان از چه مقوله است؟ چه سرگذشتی داشته است؟ چه رابطه‌ای با دیگر علوم و معارف دارد؟ روش شناسی آن چون است؟ و مبادی و منلق و مسائل آن از چه قرار می‌باشد؟) پاسخهایی درست و حسابی پیدا کند.

آزاداندیشان، مشروطیت را برای نواندیشان دینی آراستند و نواندیشان دینی نیز برای ما منبرهای خود. اما در همه حال شور بر شعور غالب بود. برای مثال علامه بزرگوار نائینی، با فخر و مباهات می‌گفت: شورا ارث اسلام است و اینک با مشروطیت به ما برگشته (هذه بضاعتنا ردت الینا) و با استناد به این که «بسیاسی گرامی (ص) و اوصیاء بزرگوارش (ع) می‌فرمودند حد خدا را در باره جرم گوشه‌های خود بی‌درنگ اجرا می‌نماییم»، یکی از مبانی اساسی مشروطیت، یعنی «برابری» را از نظر شرعی توجیه و تأیید می‌کرد؛ اما اینک بر کسی پوشیده نیست که منظور از برابری در عرف جدید، این است که همه مردم صرفنظر از جنسیت و اعتقاداتشان حقوق طبیعی یکسانی دارند در حالی که طبق احکام موجود در سنت اسلامی، مسلمان با اهل ذمه و دیگران مثلاً در دیه و قصاص و... حقوق متمایز و متفاوتی دارند. همچنین بنده و آزاد، زن و مرد و... احکام گوناگونی دارند.

همچنین نائینی آیه «ادع الی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة و جاء لهنم پالٹی هی احسن» را با آزادی مطبوعات در اندیشه جدید، تطبیق می‌نمود و حال آن که در فقه اسلامی، احکام خاصی درباره ارتداد و کتب ضاله و مضه و... وجود دارد. اینها چیزهایی بودند که امثال نائینی مسکوت می‌گذاشتند و توی پرانتز می‌نهادند و امثال نوری از پراگماتیز بیرون می‌آوردند و انگشت روی آن می‌گذاردند. نواندیشان در وضع خوب اقلیت‌های مذهبی در اسلام داد سخن سر می‌دادند در حاکی که اساساً در اندیشه جدید، اقلیت مذهبی مفهومی ندارد. چون اندیشه جدید با حکومت دینی و رسمیت یک مذهب خاص در جامعه بیگانه است آنچه در اندیشه جدید مطرح می‌باشد شهروند است صرفنظر از اعتقاد شخصی و گروهی آنها به دین یا عدم اعتقاد بدان و صرفنظر از اعتقاد به کدام دین و مذهب بنا بر این در آن، تقسیم بندی مردم به متدین به دین رسمی و اقلیت‌های مذهبی، موضوعیت ندارد.

نائینی، آنچه که بر زیبایی‌های تعالیم اسلامی مثل اجرای بالسویه قوانین کثیری حکومت اسلامی حتی درباره نزدیکان و خویشاوندان حاکم، امضای سنت‌های پسندیده آن روز مثل شورا و بیعت، گفتگوی به نیکوترین روش با مخالفان (جدال احسن) و... تأکید کرده، سخن گزافی بر زبان نراند و به قلم نیاورده است. اما بحث بر سر این است که برابری، آزادی، عدالت، قانون، حقوق، حکومت و شورا با مفاهیمی که در سنت‌های گذشته دینی ما مطرح بوده است، همان مفاهیمی نیستند که در اندیشه جدید و از جمله مشروطیت وجود دارد.

در نتیجه، اگر عالمی دینی، حقانیت مشروطیت را با تشبیه برابری و آزادی آن با برابری و آزادی سنت دینی اثبات کند، عالمی دیگر نیز حق خواهد داشت با توضیح بیشتر مفهوم برابری و آزادی در سنت دینی و تشریح تفاوت‌های آن با برابری و آزادی در مفهوم جدید، حقانیت مشروطیت را نفی و

نقض نماید و نموناش نائینی و نوری است. بنا بر این نواندیشی دینی برای اصلاح و بازسازی اندیشه دینی به بحث‌های عمیق منطقی، فلسفی کلاسی و فقهی نیاز داشت.

البته نواندیشان گاهی به «طرح مسأله»‌های اساسی‌تر و بنیادین‌تری نیز تقرب می‌یافتند اما بررسی‌های گسترده و عمیق به عمل نمی‌آمد. برای مثال، ملاعبادالرسول کاشانی در «رساله انصافیه» خویش (۱۳۲۸ هـ) گفت: «فرضا آیه و حدیثی هم برای حکومت قانون و مشروطیت نباشد کدام صاحب شعور این ترتیب را بد می‌داند؟» و نیز گفت: «مجلس ملی را با امر حلال و حرام و واجب و مکروه و عبادات کاری نیست واضح این احکام را جز خداوند ندانیم. آن مجلس در تدبیر امور مملکت و اجرای امور به مجرای قانون، اختیار دارد» و گفت: «بعلاوه ممکن است امور دنیا به واسطه گذشتن زمانها تغییر پیدا کرده باشد مثل طرز لباس پوشیدن، در هر زمانی لباس متداول آن زمان را... می‌توان پوشید ولو مخالف با لباس زمان شارع باشد» و گفت: «هر کس مختار است هر چه می‌خواهد بنویسد. و هر چه می‌خواهد طبع کند و هر گونه بخواهد کسب و تجارب نماید و هر صنعتی بخواهد بکند مانع نداشته باشد. در قضیه آزادی در عقاید هم اگر مقصود عقایدی است که تعلق به امور معاشیه و سیاسیه دارد معلوم است آزاد است... اگر در اصول دین است، معقول نیست کسی را برخلاف عقیده‌اش تکلیف کردن مگر به استدلال... نه چوب و چماق»

همچنین ثقه الاسلام گفت: «مقصود از قانون، اختراع شرع تازه‌ای نیست... قانون سیاسی و ملکی است» و نائینی نوشت: «بدعت و تشریع، آن است که حکم و قانون جعلی را، جزئی یا کلی، بعنوان حکم شرعی، تشریح نمایند. بنا بر این مقرراتی که یک فرد یا خانواده یا اهل یک کشور در امور زندگی تنظیم نمایند و خود را به آن ملزم دارند چه آن که آن را در دفترچه و کتابی ضبط نمایند و یا نمایند چون به قصد تشریح نیست بدعت نیست»

تأملی در طیف سوم

کار آنان تا آنجا که انگیزه دفاع و جانبداری از ساحت اسلام، بر سر داشتند موجه است. اسلام میراث گرانقدر تاریخی است که به کار اعتدالی معنوی و سعادت جاویدان انسان می‌آید و ارزش آن را دارد که برای حفظ حرمت، اصالت، خلوص و تمامیت آن، صمیمانه با فشاری و فداکاری کرد (بلکه ارزش آن بیشتر از این حرف‌هاست). اما آن گونه دفاعی که مشروعه‌خواهان از اسلام به عمل آوردند، قابل انتقاد است، آنان با افتادن در ورطه این اندیشه کهن کلامی که حسن و قبح امور صرفاً شرعی است، نتوانستند حکومت، عدالت، قانون، آزادی و برابری را بعنوان مفاهیم عرفی و بشری و عقلایی تلقی به قبول کنند. عنصر زمان و مکان و مقتضیات و مصالح و ضرورتها را به حساب نیاوردند و از واقعیت تفاوت، تنوع و تحول امور طفره رفتند. هر تازماری از بدعت و هر کهنه‌ای را دین شمرند. راستی مگر «افتتاح مدارس تربیت نسوان و دبستان دوشیزگان» کجایش با دینداری مفاسد بود که نوری آن را در رهیافت انحرافات. «جماعت لایف و لایبالی و لامذهب که سابقاً معروف به بابی بودند» آورده است.

اصول گرایان در صدور حکم به این که امری خلاف شریعت است زبردست بودند اما در پاسخ به نیازهای ذهنی و عینی زمانه و حل پرسش‌ها و مسائل روزگار کار چندانی نمی‌کردند. نوری قانون اساسی را «ضلال نام» می‌نامید که بر اساس یکی از موادش افراد مملکت متساوی حقوق هستند و می‌گفت محال است با اسلام، حکم مساوات. و گفت در اسلام خون دینی و مسلمان یکسان نیست. منظورش نظریه فقهی است که اگر یک یهودی یا زرتشتی، مسلمان را بکشد او را به کیفر می‌کشند ولی اگر مسلمان آنان را کشت فقط دیه می‌پردازد) اما چه جوابی داشت برای مقاله‌ای در جبل‌التین که: مجوس و یهود و ارمنی، وقتی قیمت خون خود را معادل بیست و پنج تومان، کم یا زیاد، در قانون ملاحظه نمایند [منظور مقدار دیه شرعی است] گمان نمی‌کنم تا به قیامت طرف این ملت و این سلطنت و این قانون را بگیرد و دست نظم به نمایندگان دول دیگر بلند نماید که چه نصیر کرده‌ام خون من انسان از قدر یک حیوان پستتر شده...» از دیگر مشروعه خواهان، در رساله «تذکره‌الفافل و ارشادالجهال» می‌خوانیم: «لازمه مساوات در حقوق، از جمله مساوات فرق ضاله و مضه با مسلمان است و حال آن که حکم ضال یعنی مرتد این است که قتلش واجب، زش باین، مالش منتقل می‌شود به مسلم، و کارش اجرت ندارد و کفار حق قصاص ندارند و دیه آنها هشتصد درهم است.»

مشروعه‌خواهان از گفتگو و دیالوگ مثبت با مؤلمه‌های خرد و دانش جدید برمی‌خیزند آنان سرمایه فرهنگ دینی را در گاو صندوق افکار خویش گذاشتند و از به جریان انداختن آن در داوودست افکار و اندیشه‌ها فرسایدند. حال آن که دین در جریان هم سخنی و همراهی آن با مؤلمه‌های نو و معارف بشری، می‌بالد و منشا، هدایت و سعادت می‌شود.

شیخ فضل... نوری آن گاه که در پاسخ به پیشنهاد بناهدگی به سفارتخانه‌ها گفت: «آیا رواست که من پس از هفتاد سال که محاسن را برای اسلام سفید کرده‌ام حال بیایم و بروم زیر بیرق کفر؟» در واقع جدیت و صمیمیت خود را در دفاع از حریم دین تأکید کرد ولی به نظر نویسنده، چند و چون دفاعش، همان گونه که گفته شد، قابل چون و چراست. اما در تأمل‌های کوتاهی که راجع به سه اندیشه صدر مشروطه داشتیم نباید طرف زمانی و شرایط و محدودیت‌های آن روز مورد غفلت قرار گیرد. ما که امروز درباره پریروزمان سخن می‌گوییم روا نیست کار آنها را قیاس از خود بگیریم. ما میراندار تجارب آنان و رهیافت‌های تازه پس از آنان هستیم و نباید در دآوری نسبت به کارشان، شرایط و امکانات عصر و نسل خویش را مقیاس قرار دهیم. باری ما در آئینه آنان، تمثال خود را دیدیم و با عناوین آنان، متن اندیشه‌های خود را نگاریدیم. نیز ناگفته نماند که در این مقال مختصر، به جنبه‌های اندیشگی مسائل پرداختیم در حالی که مشروطیت و جناح‌های آن، جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تاریخی داشت که در این نوشته، نوبت آن نبود.

# خبرها و نظرها

## تشکیل گروه "مبارزه برای اتحاد چپ"

عده‌ای از مبارزین چپ در آمریکا که به گرایش‌های مختلف سیاسی-سازمانی وابسته هستند، اقدام به تشکیل گروهی بنام "گروه مبارزه برای اتحاد چپ" کرده و برنامه خود را منتشر نموده‌اند. برنامه در ابتدا به ضرورت عاجل اتحاد عمل نیروهای چپ در ایران پرداخته و مینویسد:

با توجه به روندهای اجتماعی دوران پس از انقلاب، امروزه جرات می‌توان گفت که عدم حضور یک آلترناتیو متحد و مترقی در مقابل رژیم، وبه ویژه تفرق در صفوف نیروهای چپ و عدم وجود یک جبهه متحد از نیروهای چپ، کاریگری و کمونیستی در شکست انقلاب و سلطه نیروهای ارتجاعی بر جامعه نقش به سزا بازی کرده است. حاکمان رژیم، با استفاده از تفرقه نیروهای چپ توانستند آنها را یک به یک به طور جداگانه مورد حمله و سرکوب قرار دهند و تعداد بیشتری از آنها را به جود اعدام ببینند...

در چنین شرایطی جنبش چپ ایران تنها از طریق سازماندهی یک مبارزه مشترک و تلاش در جهت ایجاد اتحاد در صفوف خود قادر خواهد بود در تحولات آتی جامعه نقشی مؤثر ایفا کند و بر سیر رویدادهای کشور تأثیر مثبت بگذارد.

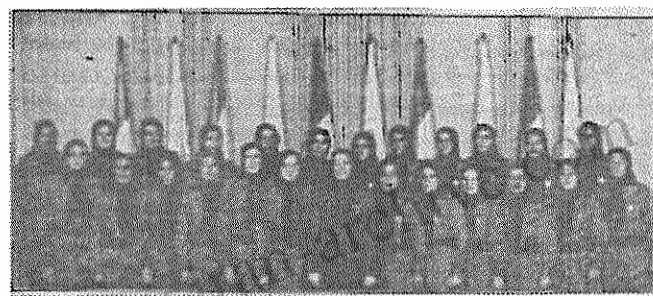
در برنامه گروه تأکید شده: علیرغم تمام مشکلات موجود و اختلافات گاه اساسی میان

## "شورای جدید" رهبری مجاهدین خلق

سازمان مجاهدین خلق با انتشار بیانیه‌ای از تشکیل شورای "رهبری جدید" این سازمان خبر داد.

در این بیانیه گفته شده است مجاهدین به منظور رهبری مبارزه خود برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، شورایی را که کلیه اعضای آن زن هستند، تشکیل داده است.

بنابه گفته مجاهدین هزاران نفر از اعضای این سازمان در روز سه شنبه ۱۹ مرداد با تشکیل جلسه‌ای در یکی از پایگاههای خود در عراق این ۱۲ زن را به عنوان اعضای شورای رهبری جدید انتخاب کرده‌اند. ۱۲ زن دیگر نیز به عنوان عضو جانشین این شورا انتخاب شده‌اند. همه اعضای جدید از سوی مریم رجوی که عنوان دبیر کل سازمان مجاهدین را دارد، کاندید این مقام شدند. تشکیل شورای مذکور نقطه مقابل



شورایی که از سوی مجاهدین خلق بعنوان رهبری جدید معرفی شده است

## کمکهای مالی رسیده

۱۳۰۰۰ مارک از سوی رفقای دوشهر آلمان از این دوستان که با کمکشان سازمان را در پیسپرد اهداف خود یاری می‌رسانند سپاسگزاریم

ارضی و استقلال مملکت دانست. رضا پهلوی طرح خود برای آینده را چنین توضیح داد: فکر می‌کنم که برای مملکتی مثل ایران، با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف آن نظامی که بتواند بهترین شرایط را برای مکانیزم دموکراسی بکار ببندد، یک سلطنت مشروطه است. حالا یک عده جمهوری خواه مخالف این عقیده هستند حرفی نیست. من که حق دارم این عقیده را داشته باشم.

تفاوت در اینجا است که من نمی‌گویم باید سلطنت یا جمهوری را پیش از آنکه مردم فرصت انتخاب آزادانه داشته باشند، به ایران تحمیل کرد. من می‌گویم امروز چه جمهوری خواه، چه سلطنت طلب با یستی در ایجاد شرایط آزادی انتخاب در مملکت، دست بدست هم بدهند. طبیعی است که وقتی ما به این هدف ملی رسیدیم و شرایط بکار افتادن مکانیزم انتخاب آزاد در مملکت را فراهم کنیم، آن موقع گرایش‌های مختلف سیاسی به ارائه نوع نظام مورد نظرشان می‌پردازند و مردم رأی خواهند داد و تعیین تکلیف خواهند کرد.

علی شاکری از سوی نهضت مقاومت ملی نظر دکتور مصدق را یاد آوری کرد مبنی بر اینکه: در نظام مشروطه سلطنتی شخص پادشاه باید در مقامی باشد غیر مسئول و ماوراء گرایش‌ها. وی سپس افزود: عده‌ای معتقدند که ایران جز با مشروطه سلطنتی نمی‌تواند پا برجا بماند. این یک نظری است. کسی که به آن معتقد است نباید سعی کرد این اعتقاد را از مغزش بیرون آورد. از طرف دیگر عده‌ای به جمهوری عقیده دارند. اینها معتقدند که نظام مشروطه در این هشتاد و چند سالی که از عمرش گذشته امتحان بدی داده است و مشروطه را معادل با استبداد سلطنتی معرفی می‌کنند. اما منطق نهضت و ملیون حداقل آن بخش که

علی شاکری در سخنان خود بر جدایی سمبل نهاد مشروطیت با دوره تاریک گذشته تأکید کرد و خواستار آن شد که وی همان ۱۲ سال بعد از شهریور ۲۰ را به عنوان نمونه مشروطیت ایران معرفی کند. رئیس هیئت اجرایی نهضت مقاومت ملی ایران خاطر نشان کرد: ما به سهم خودمان سعی می‌کنیم که شانس آلترناتیو مشروطه سلطنتی در کنار آلترناتیو جمهوری به عنوان یکی از دو شانس حفظ شود.

## انتشار گزارش دیدار مسئولان نهضت مقاومت ملی با رضا پهلوی

زمینه گفت: هدف امروز ما در رابطه با برخورد با نظام حاکم و تغییر اوضاع سیاسی در مملکت است که باید بر اساس یک همکاری بین تمام نیروهای ملی و آزاد یخواه قرار بگیرد تا یک آلترناتیو سیاسی را در مملکت ما امکان پذیر کند. یعنی زمینه سیاسی استقرار یک دموکراسی شکل بگیرد و حلالا نهایتاً این تلاش به یک نظام سلطنت مشروطه یا جمهوری قیام ایران، ارگان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران، مشروح گزارش هیئت نمایندگان این نهضت با رضا پهلوی را منتشر کرد. در این دیدار پیرامون دو آلترناتیو ممکن برای جایگزینی رژیم ولایت فقیه یعنی نظام مشروطه سلطنتی و نظام جمهوری بحسب صورت گرفت. رضا پهلوی ضمن تأکید بر اهمیت همکاریهای نیروهای مختلف در این

## با اشتراك «کار» ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.</p> <p>مایلم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____ (لطفاً خوانا بنویسید)</p> <p>Name: _____</p> <p>Address: _____</p>	<p>بهای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا ۴۵ مارک</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها ۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	شش ماهه	یکساله	اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک	سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 کد بانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 52020 Aachen GERMANY</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>
شش ماهه	یکساله							
اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک							
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک							

## مصاحبه اشپیکل با حنان عشراوی

# باید نشان دهیم که روند صلح می تواند به نتایجی بیانجامد



رهبری ساف، موضع فلسطینی‌ها را در مذاکرات صلح تضعیف کرده است؟  
عشراوی: نه، بلکه تقویت کرده است. هر کس بتواند مانند ما دست به انتقاد از خود زده، اصلاحات داخلی را به مورد اجرا بگذارد، نیرومند است.

بیشرفت های واقعی مطرح است. ساف به نمایندگی از سوی همه فلسطینی‌ها سخن میگوید. ساف نه تنها مظهر هویت ملی، بلکه همچنین سمبل حقوق ملی ماست. از این رو، این نقش باید به رسمیت شناخته شود.  
اشپیکل: آیا اختلاف شما با

عشراوی: حتی اگر مردم نسبت به روند صلح تردیدهای فزاینده ای به خود راه دهند، ما باید نشان دهیم که روند صلح میتواند به نتایجی بیانجامد.  
اشپیکل: مشاوران عرفات خواهان گفتگویی مستقیم میان اسرائیل و ساف شده اند. آیا شما از این خواست پشتیبانی می کنید؟  
عشراوی: آری، به گمان من، این یک خواست منطقی است و نتیجه خواهد داد.  
اشپیکل: اما به این ترتیب از نقش شما به عنوان نمایندگان مناطق اشغالی بسیار کاسته خواهد شد.  
عشراوی: در اینجا خود خواهی افراد مطرح نیست، بلکه دستیابی به

بلکه با استقبال مواجه شد.  
اشپیکل: آیا پس از گفتگوها در تونس، در هماهنگی رهبری ساف و هیات، بهبودهایی حاصل خواهد شد؟  
عشراوی: اصلاحات زیادی صورت خواهد گرفت، از جمله در درون هیات، ما وظایف خود را دقیق تر تعریف خواهیم کرد، و ساختارهای مشترکی نیز بین ما و رهبری ساف ایجاد خواهد شد.  
اشپیکل: علل اختلاف نظر میان هیات و عرفات کدامند؟  
عشراوی: اختلاف نظر شخصی میان ما و عرفات مطرح نیست. سخن بر سر مسائل است که در نتیجه روند صلح و ضرورت تدارک تصمیمات سخت برای ما فلسطینی ها مطرح شده است.  
اشپیکل: آیا اختلافات به این نیز باز میگردد که شما در کرانه غربی زندگی میکنید، در حالی که رهبری ساف در تونس مستقر است؟  
عشراوی: البته شرایط عینی همواره بر دیدگاه ها و تصمیمات تاثیر میگذارد. فاصله انسان با صحنه، گاه بیش از حد نزدیک و گاه بیش از حد دور است.  
اشپیکل: نظر شما درباره طرح "نخست: غزه" که گویا عرفات طرفدار آن است، چیست؟  
عشراوی: ما هنوز روی آن کار میکنیم. به درخواست عرفات، ما در این باره مطالعاتی انجام داده ایم که محاسن و معایب این طرح را نشان میدهد.  
اشپیکل: در مناطق اشغالی، تعداد فلسطینی های مخالف روند صلح روبه افزایش است. آیا شما هنوز فکری کنید هموطنان با مذاکرات موافقت.

با سخ فلسطین به یک طرح آمریکایی بود.  
اشپیکل: آیا رهبری ساف در این مورد هیات شمارا دور زد؟  
عشراوی: نه مادر تماس دائمی با رهبری بودیم. اما برای کاررویی این سند، احتیاج به وقت داشتیم.  
اشپیکل: پس به نظر شما عرفات بیش از حد سریع تصمیم گرفت و قول مساعد داد؟  
عشراوی: مسئله برسر سرعت یا کندی تصمیم گیری نیست. بگذارید مسئله را چنین بیان کنم: پس از آنکه ما در بار اول سند مزبور را رد کردیم، عرفات نسبت به پیشنهاد های آن نظر مساعد نشان داد. اما از آنجا که یک هیات نمایندگی، نمی تواند به سادگی تصمیمات رهبری خود را رد کند، ما خود را ناگزیر از آن دیدیم که استعفای خود را تقدیم کنیم.  
اشپیکل: به عبارت دیگر، شما حس می کردید که نامه رسان شده اید؟  
عشراوی: کار رساندن پیام را هر کسی میتواند انجام دهد. معیار انتخاب اعضای هیات ما، توانایی آنها در طرح مواضع و فرمولبندی اسناد بودند نه آمادگی شان برای اطاعت از فرامین. من هرگز احساس نکرده ام که نامه رسانم.  
اشپیکل: آیا شما نیز اکنون خواستار افزایش دموکراسی در ساف و رهبری دسته جمعی آن هستید.  
عشراوی: من این را مقید نمی دانم که انسان بدین گونه ایده های مجردی را طرح کند. در شرایط ما فلسطینی ها، رهبری شورایی به چه معناست؟ ما در میان خود، تحلیلگران را طرح کردیم و پیشنهادهایمان را نیز ارائه دادیم. این پیشنهادها نه تنها با نظر مساعد،

استعفای اعضای هیات نمایندگی فلسطینی ها در مذاکرات صلح خاورمیانه، که البته بعدا پس گرفته شد، توجه ناظران را به اختلافاتی جلب کرد که میان نمایندگان مردم ساکن مناطق اشغالی از یک سو، و رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) از سوی دیگر، شکل گرفته است. در حالی که عرفات رهبر ساف موافق محدود کردن خود مختاری مناطق اشغالی به نوار غزه به عنوان راه حل دوره گذار است، فلسطینی های ساکن کرانه غربی رود اردن، و از جمله فیصل حسینی و حنان عشراوی دو سخنگوی هیات فلسطینی در گفتگوهای واشنگتن، از آن بیم دارند که "راه حل موقت" به راه حل دائمی تبدیل شود و اسرائیل، عقب نشینی از همه مناطق اشغال شده را تا مدت نامعلومی به تعویق افکند.

هفته نامه آلمانی اشپیکل در شماره ۱۶ اوت خود، مصاحبه ای با خانم حنان عشراوی چاپ کرده است که تا حدی نکات مبهم پیرامون استعفای وی و همکارانش را روشن میکند.

اشپیکل: چه چیز شما و همفکرانتان، فیصل حسینی و صائب عرفات را بر آن داشت که استعفای خود را به پاس عرفات پیشنهاد کنید؟

عشراوی: علل مختلفی انباشته شده بود، مثلاً نحوه اتخاذ تصمیمات، یکی از این موارد زیاد، این سوال بود که ما به عنوان هیات نمایندگان، مسئول انجام چه وظایفی هستیم. و بالاخره، انگیزه نهایی،

## قتل عام وحشیانه سرخپوستان آمریکای جنوبی

دست حدود ۲۰۰ مرد مسلح به قمه، تیرو کمان، تبر و چاقو به قتل رسیده اند. دولت پرو مدعی است سازمان چریکی راه درخشان، این سرخپوستان را بدین علت که حاضر به همکاری با آنها نشده اند، دولت پرو که تحت ریاست آلبرتو فوجیموری رئیس جمهور دیکتاتور منشی این کشور است، هنوز برای ادعای خود هیچ سندی ارائه نکرده است. احتمال آن می رود که خود دولت پرو برای بی اعتبار کردن راه درخشان به این جنایت دست زده باشد.  
به گزارش یک سازمان مستقل امداد، از آغاز سال جاری مسیحی تا کنون در هندوراس بیش از صد سرخپوست از قبیله لنکا بر اثر گرسنگی مرده اند. این گزارش حاکی است در منطقه ای از هندوراس به علت کمبود محصول ذرت که ناشی از بی قوت بودن زمین می باشد، گرسنگی حاکم است. به موجب این گزارش، مرگ بر اثر گرسنگی حدود ۶ هزار سرخپوست را تهدید می کند.

جویندگان طلا در شمال برزیل دست به قتل عام وحشیانه سرخپوستان این ناحیه زدند. به گفته رئیس اداره امور سرخپوستان برزیل، حدود ۶۰ نفر از قبیله سرخپوست یانومامی به قتل رسیده اند. این گزارش حاکی است در اوایل مرداد ماه، قاتلان وارد دهکده ای واقع در نزدیکی مرز ونزویلا شدند و ساکنان آن را کشتند. گزارش مزبور می افزاید بیم آن می رود شمار قربانیان این فاجعه که از بدترین انواع خود در سالهای اخیر بوده است، بیش از رقم ذکر شده باشد. ممکن است جستجوگران طلا در حمله خود، همه اهالی یک روستای حدوداً صد نفره را کشته باشند. تاکنون از اهالی این روستا کسی زنده یا قتل نشده حساب کرده اند.  
در پرو طی چند حادثه ۶۳ نفر به قتل رسیدند. به گفته مقامات دولتی، ۵۵ نفر از افراد قبیله سرخپوست آشانینکا در چند دهکده جنگلی ونیز پنج معلم و سه دهقان در یک روستا کشته شده اند. این گزارش حاکی است سرخپوستان به

ادامه از صفحه ۱۲  
اختیارات پارلمان، به قانون اساسی جدیدی احتیاج دارد. از سوی دیگر، تغییر قانون اساسی در حیطه اختیارات نمایندگان پارلمان است. قانون اساسی فعلی روسیه از دوران شوروی به جا مانده و برای پارلمان حقوق وسیعی قائل است. در جنگ قدرت روسیه، طرفین یکدیگر را به فساد متهم میکنند. یک کمیسیون بر گمارده از سوی یلتسین، روز ۲۷ مرداد آکساندر روتسکوی معاون رئیس جمهور را که از رقبای یلتسین محسوب می شود، متهم به ارتباط با یک حساب بانکی در سوئیس که حاوی میلیونها دلار اموال دولتی است کرد. این اتهام در یک کنفرانس خبری تلویزیونی مطرح شد. به نظر میرسد اتهام مزبور، پاسخ اظهارات روتسکوی در فروردین ماه باشد که اعلام کرد فساد مقامات دولت یلتسین را به دادستان کل روسیه داده است. بدنبال این سخنان، یلتسین

## یلتسین در صدد

کمیونی را که اکنون اتهام فساد را متوجه خود روتسکوی کرده است، مامور رسیدگی به اتهامات علیه مقامات دولتی کرد.  
روتسکوی طی نطقی در پارلمان، اتهامات علیه خود را رد کرد. روسلان خاسبولوف رئیس پارلمان نیز به دفاع از روتسکوی برخاست و اتهامات علیه معاون یلتسین را "بازی بیجان" خواند. خاسبولوف صرف وجود کمیسیون گماشته شده از سوی یلتسین را غیر قانونی دانست. در مقابل، یلتسین گفت که به عنوان رئیس جمهور مصمم است "بایدستی" اینها را به مقابله با جرایم بپردازد.  
یلتسین گفته است که در جنگ قدرت روسیه، سپتامبر ماه تعیین تکلیف خواهد بود. به نظر می رسد رئیس جمهور روسیه میخواهد نگذارد کنگره نمایندگان خلق در پاییز به بررسی طرح قانون اساسی ارائه شده از سوی یلتسین بپردازد و قبل از این اجلاس، انتخابات را در دستور کار قرار دهد.

## اوضاع متشنج در آفریقای جنوبی

ادامه از صفحه ۱۲  
گرفتن جنگ داخلی وجود دارد. وی دکلرک و نلسون ماندلا رهبر ای. ان. سی. را متهم به توطئه مشترک برای تصاحب قدرت کرد. رهبر یک گروه راست افراطی سفید پوست نیز از طرفداران خود خواست آماده جنگ شوند. وی گفت مذاکرات درباره دموکراتیزه کردن آفریقای جنوبی، این کشور را به هرج و مرج می کشاند. به گفته این رهبر نژادپرستان، اگر سفید پوستان پس از انتخابات قادر به دفاع از خود نباشند، نابود خواهند شد. وی افزود سفید پوستان آفریقای جنوبی حاضر نیستند از اتحاد ای. ان. سی. و کمونیست ها تبعیت کنند. نژادپرستان آفریقای جنوبی میخواهند در منطقه سفید پوست نشین، حکومت مستقل ایجاد کنند. در هفته های اخیر، درگیری میان طرفداران ای. ان. سی. و اینکاتا بار دیگر قربانی گرفته است.

## اوضاع متشنج در آفریقای جنوبی

یکی از مقامات کنگره ملی آفریقا (ای. ان. سی.) در مصاحبه ای گفت این سازمان احتمال به تعویق افتادن انتخابات در آفریقای جنوبی را که قرار است هفتم اردیبهشت سال آینده برگزار شود، منتفی نمی داند.  
این مقام ای. ان. سی. ضمن تاکید بر اینکه سازمان مزبور میخواهد به ترتیب انتخابات در تاریخ مقرر برگزار شود، افزود که بویژه رویدادهای قهر آمیز اخیر میتواند به تاخیر در انتخابات بیانجامد.  
اکثر گروه های سیاسی در آفریقای جنوبی در مورد برگزاری انتخابات در هفتم اردیبهشت ماه آینده به توافق رسیده اند. اما فردرک دکلرک رئیس جمهور یارها گفته است انتخابات تنها به شرطی برگزار می شود که اعمال قهر پان پذیرد.  
مانگو سوتوبوتو لرزی رهبر حزب محافظه کار سیاه پوست اینکاتا گفته است در آفریقای جنوبی خطر در

## طرح تقسیم بوسنی هرزه گوین

ادامه از صفحه ۱۲  
رسید، به پخش دارو بین ساکنان کروات شهر پرداخت. سخنگوی نیروهای سازمان ملل در سارایوو مقدارد او را توزیع شده را "بسیار کم" دانست و گفت این محموله ها تنها به عنوان یک "حرکت سمبلیک" به بیمارستانی تحویل داده شده است. این سخنگو، شرایط زندگی در بخش کروات نشین مرستار را که کاروان سازمان ملل، "وختناک" خواند و افزود با توجه به این امر، می توان تصور کرد که وضع بخش مسلمان نشین شهر چگونه است. طبق ارزیابی کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل، در محلات مسلمان نشین مرستار ۳۵ هزار نفر زندگی می کنند.

ادامه از صفحه ۱۲  
دارای بندری در کرانه رود زاوه است در دست خود خواهند داشت اما به ازای آن، می بایستی از دست دادن مناطقی را در استانهای بیهاج ونیز در شرق بوسنی بپذیرند.  
همه شرکت کنندگان در کنفرانس، اعلام آمادگی کردند که روز هشتم شهریور به ژنوا بازگردند تا بدنبال نظر خواهی از پارلمانهای محلی بوسنی، پاسخ خود را به میانجی ها تسلیم کنند.  
بخش شرقی مرستار که اکثریت ساکنان آن مسلمانند، شاهد نبردهای سختی میان نیروهای مسلمان و کروات است. کاروان سازمان ملل که روز ۲۸ مرداد برای نخستین بار پس از دو ماه به مرستار

## تشدید فعالیت‌های تروریست‌های بنیادگرا در مصر

درافت‌های مصری که قرار بود وزیر کشور مصر را بکشد، چهار نفر کشته و ۱۵ تن مجروح شدند. وزیر کشور مصر در این حادثه به شدت مجروح شد. یک روز پس از این سوء قصد، گروه بنیادگرای "جهاد طی یک فاکس به یک خبرگزاری، مسئولیت این ترور را بر عهده گرفت. در نامه "جهاد" آمده است وزیر کشور مصر به جنگ اسلام برخاسته و سیاست آمریکا را در منطقه پیش میبرد.

بسی که روز ۲۷ مرداد در قاهره منفجر شد، هنگامی عمل کرد که اتومبیل وزیر کشور مصر در حال ورود به وزارت کشور از کنار آن عبور میکرد. یک پلیس موتور سوار محافظ وزیر کشور، در دم کشته شد و سه محافظ دیگر مجروح شدند. پس از این انفجار، نیروهای امنیتی مصر ۲۰ نفر از بنیادگرایان را دستگیر کردند.

نیزه نوشی رشید از رهبران تروریست‌های بنیادگرا که رهبری این عملیات را بر عهده داشت، بر اثر جراحتی که در انفجار به او وارد شد در بیمارستان درگذشت. علاوه بر رشید دو تن دیگر از تروریست‌ها نیز به قتل رسیدند. گروه "جهاد" پس از سوء قصد ۲۷ مرداد اعلام کرد انتقام دستگیری شیخ عمر عبدالرحمان بنیادگرای مصری در آمریکا را خواهد گرفت.

به گفته منابع وزارت کشور مصر، گروه "جهاد" بازمانده گروهی است که در سال ۱۳۶۰ انور سادات رئیس جمهور وقت مصر را ترور کرد. این منابع میگویند رهبر گروه مزبور از افغانستان و ایران پیروان خود را رهبری میکند.

تشدید فعالیت‌های تروریستی بنیادگرایان مصری در حالی صورت میگیرد که تلاش‌های دولت مصر

برای پروبال دادن به مسلمانان "میان راه" یا شکست مواجه شده است. شخصیت‌های مسلمانانی که قاهره با بزرگی کردن آنها امیدوار بود بتواند مقابل افراطیون قرارشان دهد، خود افراطی از کنار در آمده‌اند. به عنوان نمونه، تلویزیون دولتی مصر ساعات زیادی از برنامه‌های خود را در اختیار شیخ محمد غزالی قرار داد تا افکار معتدل اسلامی را تبلیغ کند. اما چندی پیش همین شیخ وقتی در مقام شاهی در یک دادگاه از او سؤال شد که مروجان افکار لائیک را باید مجازات کرد یا نه، پاسخ داد که آنها را باید کشت. شیخ غزالی گفت: "یک فرد لائیک، منشا خطری علیه جامعه و ملت است که باید آن را از میان برداشت. وظیفه دولت است که او را بکشد."

این اظهارات شیخ غزالی در دفاع از افراطیون ایراد شد که متهم به قتل یک نویسنده معروف مصری در سال گذشته‌اند. متهمان، عضو گروه جهاد محسوب میشوند.

مخالفتان دمکرات دولت مصر به سیاست این دولت در حمایت از بنیادگرایان به ظاهر میانه رو انتقاد دارند و معتقدند این سیاست حسنی مبارک که بیش از ده سال است ادامه دارد، باعث ریشه دواندن بنیادگرایان در نهاد‌های رسمی شده است. تحت تاثیر جو بنیادگرای، روحانیون مصری در صدور فتاوی قتل گوی سبقت را از هم می‌ریزند. به نوشته یک روزنامه چاپ قاهره، دیگر مظاهر ایمان اسلامی به منع آشامیدن الکل و داشتن حجاب محسوب نمی‌شود بلکه تا حد مجاز شمرده قتل دگراند بشان نیز گسترش مییابد. حضور فزاینده بنیادگرایان،

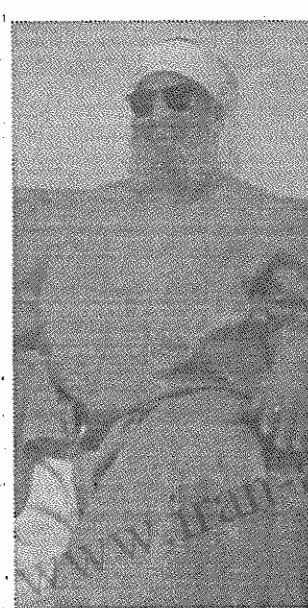
ارکان نظام سیاسی لائیک مصر را که ۲۰۰ سال قدمت دارد، به لرزه افکنده است. رئیس دانشگاه الازهر که از طرفداران دولت محسوب میشود، مدافعان نظریه جدایی دین و دولت را مرتد نامیده است. این دانشگاه همچنین برخی از آثار نجیب محفوظ برنده جایزه نوبل، از جمله رمان "بچه‌های کوچک ما" را که معروف ترین کتاب او میباشد، موهن به اسلام دانسته، و خواندن آن را ممنوع کرده است. نجیب محفوظ که در صدر لیست سیاه گروه تروریستی جهاد قرار دارد، از تغییر دادن آثار خود و عذرخواهی از بنیادگرایان سر باز زده است. دهها تن از شخصیت‌های ادبی و هنری مصر نیز از نظر گروه جهاد دشمنان اسلام محسوب میشوند و محکوم به مرگ میباشند.

تحت این فشار، خود سانسوری در جامعه فرهنگی مصر که تا کنون نسبت به سایر جوامع اسلامی آزاد اندیش تر بوده است، رواج می‌یابد. هنرمندان و نویسندگان، آثار خود را از نکاتی که ممکن است خشم افراطیون را برانگیزد، پاک میکنند. دانشگاه‌ها، آزادی پژوهش را محدود کرده‌اند و بعنوان نمونه، دانشگاه قاهره از دادن درجه دکترا به دانشجویی که رساله‌اش در رشته زبان‌شناسی "مغایر با ارزش‌های اسلامی" ارزیابی شده خودداری کرد.

وزیر آموزش مصر اعتراف کرده است که نظام آموزشی این کشور آماج رخنه و نفوذ بنیادگرایان است. وی افزوده است که بنیادگرایان از

مدارس برای سربازگیری سوء استفاده می‌کنند. مخالفان دولت مصر میگویند وزیر امور مذهبی مصر بودجه و امکانات وزارتخانه خود را در اختیار بنیادگرایان گذاشته است.

سابقه روی خوش نشان دادن دولت مصر به افراطیون مذهبی به دوران زمامداری انور سادات باز میگردد که برای مقابله با کمونیست‌ها و ناسیونالیست‌های چپ طرفدار مشی جمال عبدالناصر، صد هان از افراد گروه اخوان المسلمین را از زندان آزاد کرد. حتی وقتی سادات به دست همین بنیادگرایان به قتل رسید، مبارک جانشین سادات مشی مدارا با افراطیون را ادامه داد، اما این بار از طریق تقویت "بنیادگرایان" میانه رو برای مقابله با تروریست‌های اسلامی. اکنون برخی مقامات عالی‌رتبه مصری اعتراف می‌کنند که این سیاست شکست خورده است.



شیخ عمر عبدالرحمان، از رهبران افراطیون مذهبی مصری مقیم آمریکا.

## در سالگرد کودتای اوت

دو سال از کودتای اوت سال ۹۱ مسکو گذشت. کودتای اوت یکی از آخرین گام‌ها در جهت فروپاشی اتحاد شوروی و متلاشی شدن قطعی بلوک شرق و شتاب بخش آن بود. کودتاگران تمامی تلاش خود را برای جلوگیری از ادامه دگرگونی‌های آغاز شده و بازگرداندن برخی روندها به عقب متمرکز کردند. لیکن تحول آغاز شده را دیگر نمی‌شد مانع گشت.

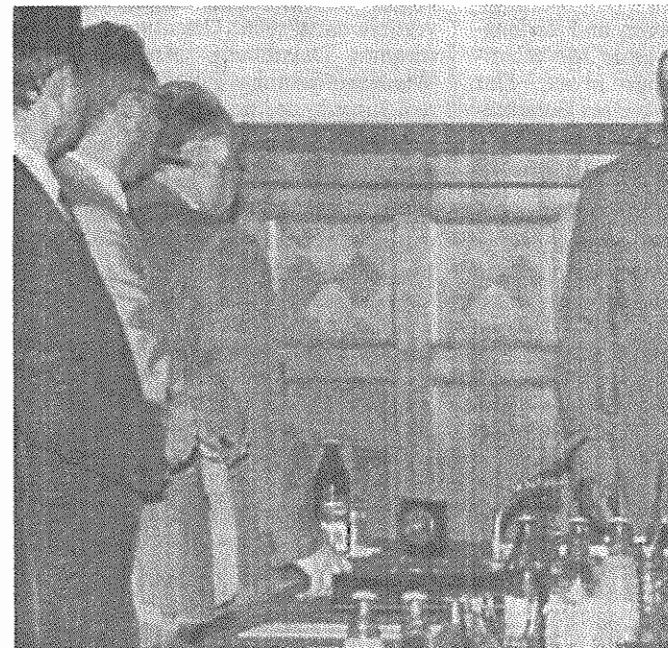
کودتای اوت صرف نظر از نیت مجریان آن تیر خلاص بر تلاش‌هایی بود که بمنظور حفظ اتحاد شوروی و تغییر و تحول دمکراتیک در آن صورت میگرفت. با این کودتا امکان تحولی مثبت در پهنه اتحاد شوروی سابق که بتواند مانع آن بحران ژرف و بی‌کرانه‌ای باشد که اکنون در گستره نامبرده حاکم است، از میان نرفت و روندهای منفی در این کشور شدت گرفت.

اتحاد شوروی سابق می‌توان هر چیزی را با پول خرید، حتی بمب اتمی و کلاهک هسته‌ای را. تورم بیداد می‌کند. برابری روبل با ارزهای معتبر جهانی شدت به زیان روبل تغییر یافته است. قیمت کالا‌های اساسی صدها برابر افزایش یافته است. رشد درآمدها در مقایسه با افزایش قیمت‌ها بسیار ناچیز است. سطح نازل درآمدها راهی جز روسپی‌گری پیش پای بسیاری از زنان نگذاشته است. روسپیان از بزرگترین صادرات این سرزمین می‌باشند.

خارج از چارچوب ذکر شده نیز فروپاشی شوروی اثرات و نتایج منفی بسیاری بر جای گذاشت و آفرید. جنبش چپ اعم از کمونیستی و سوسیالیست دمکرات تضعیف شد. گذشته از آن کل جنبش ترقیخواه جهانی متحمل عقب‌نشینی‌ها و در ابعاد مختلف از دست دادن هواداران خود شد. این عقب‌نشینی همراه بود با پیشروی نیروهای راست. تابان اندازه که به دست اندازی این نیروها به بسیاری دستاوردهای مبارزات دراز مدت مردم از جمله تامین‌های اجتماعی انجامیده است.

کودتای اوت تنها عامل فرو پاشی اتحاد شوروی نبود، ولی با داعیه نجات این کشور، آن را هر چه بیشتر به سراشیب تلاشی سوق داد و به تقویت روندهای انجامید که سرنوشتی پر درد و رنج را نصیب مردم آن منطقه کرد.

کودتای اوت تنها عامل فرو پاشی اتحاد شوروی نبود، ولی با داعیه نجات این کشور، آن را هر چه بیشتر به سراشیب تلاشی سوق داد و به تقویت روندهای انجامید که سرنوشتی پر درد و رنج را نصیب مردم آن منطقه کرد.



یلتسین در دیدار با اعضای شورای امنیت روسیه

## یلتسین در صدد انجام انتخابات زودرس پارلمانی است

کرد که در فروردین پنجم اردیبهشت، اکثریت رای دهندگان از انتخابات پیش‌رس پشتیبانی کردند. یلتسین برای محدود کردن ادامه در صفحه ۱۱

روز ۲۸ مرداد باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه، یک برنامه عمل سه ماهه اعلام کرد که مهمترین بخش آن، برگزاری انتخابات پیش‌رس پارلمان است. طبق طرح یلتسین، تشکیل پارلمان جدید باید به تصویب قانون اساسی جدید بیانجامد. در روز ۲۹ مرداد، یلتسین با ارائه پیشنهاد رسمی انتخابات زودرس به پارلمان، اجرای برنامه سه ماهه خود را آغاز کرد. وی بدون ذکر تاریخ دقیق برای انتخابات، از نمایندگان پارلمان خواست به بحث درباره شرایط و مقررات انتخابات زودرس بپردازند. یلتسین گفت باید به مردم روسیه امکان داد "بدون وقفه ساختار مؤثر قدرت را ایجاد کنند". وی افزود آماده گفتگوست.

ناظران پیش‌بینی میکنند پارلمان روسیه که مخالفان یلتسین در آن اکثریت دارند، با انتخابات زودرس موافقت نخواهد کرد. روسلان خاسبولاتف رئیس پارلمان، یلتسین را متهم کرد که میخواهد "از شرقه مقننه راحت شود".

رئیس جمهور روسیه در تقاضای رسمی خود برای برگزاری پیش از موعد انتخابات پارلمانی خاطر نشان

روز ۲۸ مرداد باریس یلتسین رئیس جمهور روسیه، یک برنامه عمل سه ماهه اعلام کرد که مهمترین بخش آن، برگزاری انتخابات پیش‌رس پارلمان است. طبق طرح یلتسین، تشکیل پارلمان جدید باید به تصویب قانون اساسی جدید بیانجامد. در روز ۲۹ مرداد، یلتسین با ارائه پیشنهاد رسمی انتخابات زودرس به پارلمان، اجرای برنامه سه ماهه خود را آغاز کرد. وی بدون ذکر تاریخ دقیق برای انتخابات، از نمایندگان پارلمان خواست به بحث درباره شرایط و مقررات انتخابات زودرس بپردازند. یلتسین گفت باید به مردم روسیه امکان داد "بدون وقفه ساختار مؤثر قدرت را ایجاد کنند". وی افزود آماده گفتگوست.

ناظران پیش‌بینی میکنند پارلمان روسیه که مخالفان یلتسین در آن اکثریت دارند، با انتخابات زودرس موافقت نخواهد کرد. روسلان خاسبولاتف رئیس پارلمان، یلتسین را متهم کرد که میخواهد "از شرقه مقننه راحت شود".

رئیس جمهور روسیه در تقاضای رسمی خود برای برگزاری پیش از موعد انتخابات پارلمانی خاطر نشان

## طرح تقسیم بوسنی هرزه‌گوین

توروالد ستولتنبرگ نماینده سازمان ملل متحد ولرد بود او تن نماینده جامعه اروپا که سرپرستی کنفرانس بین‌المللی یوگسلاوی را بر عهده دارند، روز ۲۹ مرداد "راه حل جامع" جدیدی برای بوسنی-هرزه‌گوین ارائه کردند. به گفته او، نقش پیشنهادی، به صربها، ۵۲/۵ درصد، به مسلمانان ۳۰ درصد و به کرواتها ۱۷/۵ درصد خاک کشور را گذار می‌کند. در حالی که رؤسای جمهور کرواسی و صربستان و عواملشان در بوسنی بلافاصله با این طرح موافقت کردند، علی‌عزت بیگ اویچ رهبر مسلمانان و رئیس کشور صوری بوسنی هرزه‌گوین به انتقادات سختی از این طرح پرداخت.

عزت بیگ اویچ در بیانیه‌ای کتبی خاطر نشان کرد هیات وی "از آنچه به ما ارائه شده است راضی نیست". این بیانیه افزوده است طرح جدید پیش‌بینی می‌کند صرب‌ها مناطقی را که در آن، اهالی مسلمان را کشته یا از آنجا رانده‌اند، نگه دارند. به موجب بیانیه مزبور، رئیس جمهور بوسنی علی‌رغم انتقادات خود به

طرح، این پیشنهاد را به پارلمان بوسنی هرزه‌گوین ارائه خواهد کرد. عزت بیگ اویچ پس از پایان یک دور دو هفته‌ای مذاکرات، کاخ جامعه ملل در ژنورا که محل برگزاری گفتگوها بود، در سکوت و بدون روبرو شدن با خبرنگارانی که منتظر او بودند، ترک کرد.

اما سلوبودان میلیوشویچ رئیس جمهور صربستان گفت به طور کامل از راه حل جامع پیشنهادی حمایت می‌کند. وی افزود این سند حدوداً پنجاه صفحه‌ای، "سازشی صادقانه و عادلانه است که بطور یکسان حافظ منافع همه طرفها خواهد بود". به گفته رهبر صربستان، هر کس این طرح را رد کند، مسئولیت سنگینی بابت ادامه جنگ خواهد داشت. رادوان کاراجیچ، رهبر صرب‌های بوسنی، ضمن موافقت با طرح توافق مزبور، آن را "مصالحه‌ای دردناک" نامید زیرا به موجب آن صربها باید ۲۰ درصد مناطقی را که اشغال کرده‌اند، تخلیه کنند. طبق طرح جدید، مسلمانان شهر برتسکو در شمال بوسنی را که ادامه در صفحه ۱۱